





## اطلاعات

پان‌دول‌الهیست

## حقوق نجومی برای چه کاری؟

**فتح الله اسلمی**

اینکه طبق گزارش دیوان محاسبات و نیز بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، متوسط حقوق در اغلب شرکت‌های دولتی بین ۲۰ تا ۳۵ تا میلیارد تومان در سال است به خوبی نشان می‌دهد که خیلی زود تب مقابله با حقوق‌های نجومی فروکش کرده است. اینکه این شرکت‌ها که اکثرًا نفتی هستند در قبال چه خدماتی چنین حقوق‌های کلانی می‌گیرند نیز روشن و شفاف نیست و کاملاً پیداست وقتی متوسط حقوق در یک شرکت به‌عنوان مثال ۵ میلیون تومان باشد، در آن مجموعه افرادی که مثلاً ۴۰ یا ۴۵ میلیون تومان حقوق و مزایا دریافت می‌کنند هم کم نیستند؛ زیرا معمولاً حقوق مدیران و اعضای هیأت‌مدیره اگر دو یا سه برابر کارمندان آن مجموعه هم نباشد، حداقل پنجاه تا صددرصد بیشتر است. جالب اینکه در میان این شرکت‌ها و بانک‌ها و مؤسسات، حتی آنها که زیاده‌هم محسوب می‌شوند به چنین بذل و بخشش‌هایی ادامه می‌دهند. مسأله این نیست که چرا یک مدیر حقوق نجومی می‌گیرد. شاید مدیرانی هم باشند که چند برابر آنچه که می‌گیرند برای مجموعه تحت مدیریت خود و برای کشور ثروت می‌آفرینند و درآمد ایجاد می‌کنند و ارزش کاری که انجام می‌دهند و میزان مهارت و خلاقیتی که دارند بسی بیش از این‌ها هم باشد و کسی متکر این واقعیت نیست؛ اما این بررسی شمول چند درصد آنان می‌شود؟

ایا بررسی شده است که چه تعداد از این شرکت‌ها لازم و ضروری‌اند؟ و اگر این ضرورت وجود دارد چه تعداد کارمند و مدیر نیاز است در آن مجموعه باشند و چه تعداد زاید‌اند؟ و به راستی کسی بررسی کرده است که چند درصد آنان اگر کنار گذاشته شوند می‌توانند جذب بخش خصوصی شوند؟ یا هیچ مدیر هوشمند و با حساب و کتاب در بخش خصوصی واقعی حاضر است حتی با نصف این حقوق و مزایا استخدامشان کنند؟ سאלهاست که کشورمان بحث بودجه نوسیع براساس عملکرد که یکی از اصول مسلم اصلاح ساختاری بودجه است اینجا و آنجا مطرح می‌شود اما وقتی پای عمل و اجرا به میان می‌آید انگار همه‌هی حوصله و بی تفاوت می‌شوند و معتقدند که ترک عادت مرض می‌آورد و به همین خاطر است که هر روز بدنه دولت، چاق‌تر و متأسفانه باوجود همه حرف‌ها درباره تقویت بخش خصوصی، شوق استخدام در دستگاه دولتی هر روز بیشتر می‌شود و یکی از علل اصلی آن این است که دولتها در آن جمله این دولت گبیان می‌کنند که منابع و سرمایه‌های کشور و درآمد‌های نفتی صرفاً بامیلک دولت هستند و دولت فقط وظیفه پرداختن به امور عائله خویش را دارد. حال اگر دولت ثروتمندی بود و از جیب خود خرج می‌کرد، حرفی نبود؛ گرچه خیلی حرف‌ها بود اما به هر حال با تسامح می‌توان از آن گذشت. اما وقتی با قرض و فروش اوراق و کسری بودجه دست و دلبازی می‌کنند نتیجه تلخ آن را که رشد نقدینگی و تورم فزاینده است اکثریت ملت و بهتر بگویم اکثریت طبقه فقیر می‌چشند و هر روز سفرشان کوچک‌تر می‌شود. پرداخت حقوق‌های کلان و بذل و بخشش در دستگاه اجرایی و دولتی و بخش عمومی و پرداخت‌های نجومی، آثار و تبعات دیگری هم دارد که در صندوق‌های بانزنسستگی روی بد خود را نشان می‌دهد. تنها کسری صندوق‌های بانزنسستگی کشوری و لشکری و فولاد در سال ۹۹ بالغ بر ۸۰ هزار میلیارد بوده که از محل بودجه تأمین شده و پیش‌بینی شده است، صددرصد افزایش این رقم است و دریر نیست زمانی که دولت هر چه را در می‌آورد صرف پرداخت حقوق و دستمزد و کمک به کسری صندوق‌های بانزنسستگی بکند و برای صدها کار زمین‌نامه ملکت پولی در خزانه نداشته باشد. بد نیست بدین هم که این کسری در طول یک دهه حدود ۱۰ برابر رشد داشته است و ظاهراً این روند به این سادگی قابل کنترل نیست.

بارها در این ستون عرض شد که اگر به دوران عادت به پرداخت‌های نفتی و به بیان صریح‌تر، به پان‌دول‌الهی نفتی پان‌دهیم و به کار و تلاش و تولید ثروت روی خوش نشان ندهیم پان‌دهیم پان‌دهیم پان‌دهیم و توسعه یافتگی کشور نمی‌شود که هیچ؛ این سرطان را اندک افتصاد می‌رشد‌ه‌تر خواهد کرد.

## یادگار گرامی امام در گذشت دختر شهید مفتح را تسلیت گفت

آیت الله سید حسن خمینی با صدور پیامی، درگذشت دختر شهید دکتر محمد مفتح را تسلیت گفت.

به گزارش جماران، متن پیام یادگار گرامی امام به این شرح است:
بسم تعالی

برادر گرامی جناب آقای محمدعلی ایزدی(دامت أبایداته) درگذشت همسر گرامی تان راخمدت جانعلی و بیت مکرم شهید عالی مقام آیت الله مفتح، به خصوص برادران بزرگوار آن فقیده سعهیده تسلیت عرض می‌نمایم. خدای متعال ایشان را با اولیاء خود مشحور فرماید.

سید حسن خمینی

## تصویب طرح جامع توسعه بندر لنگه برای افق ۱۴۰۴

بندر برای افق ۱۴۰۴ در هیأت عامل سازمان بنادر مصوب شده است، افزود: در قالب طرح جامع توسعه بندر لنگه، پیش‌بینی‌هایی در حوزه‌های مختلف زیربنایی و تجهیزاتی این بندر صورت گرفته که به عنوان یک سند بالاستی پیگیری می‌شود، راستاد با اشاره به استآفات معابر بررسی طرقت‌های توسعه تجارت دریایی‌ها در غنرب هرم‌زگان درآینده‌است؛ بندر لنگه از بنادر بسیار فعال، پویا و به‌طورری بالا است که در حوزه تجارت دریایی زیست محیطی آن در شرف رشد است و تلاش خواهیم کرد: مراحت‌های ترافیکی ورود و خروج به بندر برای فضای شهری به حداقل برسانیم،وی ادامه بد مشکلاتی در برخی از بنادر تجاری کشور وجود دارد که توسعه این بنادر در محدوده شهرهی محصور شده است، این رو هرجای که امکان داشته باشد به دنبال دسترسی اختصاصی هستیم و این امر برای بندر لنگه هم صدق خواهد کرد،مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی به فرصت‌های ایجاد شده برای شناورهای فلزی و اشتغال مولان‌بومی بر روی این شناسرواه اشاره و اذعان‌داشت: چنانچه مولانان گوهیامنه شناورهای چوبی دارند، بسیاری از آنها فعالیت آن را تبدیل به شناورهای فلزی کنند و قطعاً سازمان بنادر در این زمینه همکاری‌های لازم در دارد.

### عراقچی: مسدود ماندن منابع ارزی ما ناشی از فقدان اراده سیاسی سئول است

عراقچی معاون وزیر خارجه ایران در دیدار قائم‌مقام وزیر خارجه کره جنوبی مسدود ماندن منابع ارزی ایران در کره را ناشی از فقدان اراده سیاسی دولت سئول خواند.

به گزارش فارس،وی اظهار داشت: جلود دو سال و نیم است که بانکهای کره ای به طور غیر قانونی منابع ارزی ایران را به دلیل اثر ترس از تحریمهای آمریکا کدر می‌شود، مسدود کرده‌اند. این اقدام که توسط تیمی شدن در برابر باج خواهی آمریکا ست قابل قبول نیست و طبعاً توسعه روابط بین آنها زمانی معنا را خواهد بود که این مشکل حل شود. عراقچی خواستار اهتمام جدی سئول برای یافتن سازوکار لازم برای حل این موضوع، به عنوان اولویت اول در روابط دو کشور شد. «چونجی کوان» قائم مقام وزارت امور خارجه کره جنوبی که در اس هیاتی از مقامات سیاسی و مالی آن کشور به تهران سفر کرده است، در این دیدار بیان کرد که سفر وی به ایران نشاندهنده اهمیت است که کره برای توسعه مناسبات با تهران قائل است. وی تأکید کرد: کره جنوبی درصدد بندر لنگه، طرح جامع توسعه این

سنخگوی ستاد ملی مقابله با

کرونا با اشاره به نزدیکی ماه مهمن و رویدادهای فرهنگی و هنری این ماه، گفت: اگر وضع کروناپی تهران زرد بماند یا آبی و سفید شود، با رعایت پروتکل‌ها می‌توان رویدادهای فرهنگی و هنری را برگزار کرد.

به گزارش ایرنا، علی رضائیسری در یک برنامه تلویزیونی گفت: تا چهارشنبه این هفته دستورالعمل‌های برگزاری جشنواره‌های فجر(موسیقی، فیلم) در مناطق زرد، آبی و سفید اعلام می‌شود.

وی با اشاره به افزوده شدن رنگ آبی به مناطق درگیر کرونا، ادامه داد: رنگ آبی مشخص کننده کم خطری شیوه‌هاست و همه مشاغل با رعایت مباحث ایمنی و محدودیت‌های مشخص شده می‌توانند در این مناطق فعالیت‌کنند.

رئیس‌ی بـا بـیـان این که محدودیت‌های ما هوشمندست اما به محض تغییر شرایط و رنگ مناطق به نارنج یاخواهد گشت، گفت: در شهرهای آبی مدراس با کمتر از، «هفتر می‌توانند فعالیت کنند، اما در پایدهای اول و دوم دبستان حاکلتر اداشن آموز می‌توانند در کلاس حضور داشته باشند.

معاون وزیر بهداشت افزود:

حدود ۸۰۰درصد از آمار بستری‌ها و ۴۰۰درصد از آمار مرگ و میر ناشی از کرونا کم شده اما به طور جدی توصیه می‌کنم هموطنان همچنان ششوبه نامهما را رعایت کنند، چون به محض بهای این کار در رعایت دستورالعمل‌ها، بار بیماری افزایش خواهد یافت.

سنخگوی ستاد ملی مقابله با کرونا گفت: اگر رعایت نکنیم، موج بعدی بیماری تبعات به مراتب سنگین‌تری خواهد داشت و علت آن هم جهش‌های ویروس است؛ چون ویروس ضعیف‌تر نشسته بلکه به واسطه جهش‌ها، قدرتمند شده است.

رئیس‌ی طرح شهید سلیمانی را بسیار موفق، ارزشمند و درست توصیف کرد: گفت: این طرح مبتنی بر اهداف شناسایی زردوس و فعال بیماران، قرنطینه کردن بیماران و شناسایی و غربالگری افرایان بیماران است.

معاون وزیر بهداشت افزود: هنر ما باید این باشد که از پیک بعدی بیماری جلوگیری کنیم واین نمی‌شود مگر به دو شرط که یکی اینکه همه ششوبه نامهما را درست و دقیق رعایت کنیم و دیگری برنامه ریزی‌های مناسب در حوزه پیشگیری و بهداشت

## رئیس جمهوری: قواعد اصلی فعالیت‌های اقتصادی نباید هنگام بررسی بودجه در مجلس تغییر یابد



در یکصد و نود و پنجمین جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت که دیروز به ریاست ستاد اسلام و المسلمین روحانی - رئیس سازمان برنامه و بودجه دراین جلسه گزارشی از بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ در مجلس ارائه کرد.

رئیس جمهوری در این ارائه این گزارش، تصریح کرد: لایحه بودجه حاصل تجربه و بررسی تفصیلی مجلس بوده اما درگون کرد شکاکه و ساختار بودجه، مقطن‌غیر قابل قبول است.

وی گفت: زمان بررسی بودجه، زمان تغییر قوانین و قواعد اصلی فعالیت‌های اقتصادی نیست و همچنین کارشناسان و فعالان اقتصادی استقبال کرده‌است و همچنین پبیری دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اصلاحی نمایندگان در مجلس بوده اما درگون کرد شکاکه و ساختار بودجه، مقطن‌غیر قابل قبول است. وی گفت: زمان بررسی بودجه، زمان تغییر قوانین و قواعد اصلی فعالیت‌های اقتصادی نیست و همچنین کارشناسان و فعالان اقتصادی استقبال کرده‌است و همچنین پبیری دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اصلاحی نمایندگان در مجلس بوده اما درگون کرد شکاکه و ساختار بودجه، مقطن‌غیر قابل قبول است. وی با اشاره به برنامه های دولت برای کنترل و مقابله با افزایش بی‌دلیل قیمت برخی کالاها، تصریح کرد: دولت همواره بر اساس سیاست های اصلی خود مبتنی بر تقویت بازار سرمایه با محوریت بورس، تلاش دارد با تسهیل فعالیت‌ها و کاهش محدودیت‌ها و اعتماد به شرکت‌ها، با سابقه و خوشنام و موثر که با ثبات رویه و با رعایت مقررات عمل کرده‌اند و همواره موجب رونق بازارهای داخلی و خارجی بوده‌ اند، زمینه افزایش فعالیت و خرید و فروش در بورس کالا را فراهم کند.

## رئیس جمعیت هلال احمر: واکسن فایز و واردکننده ایم

رئیس جمعیت هلال‌احمر گفت: چندی پیش ایرانیان مقیم آمریکا اعلام آمادگی کردند تا تعدادی واکسن فایزر را برای آنها کنند اما واردات واکسن در همان مراحل ابتدایی و بررسی‌های باقی‌مانده، بنابرین جمعیت هلال‌احمر متخلف‌زدنایی و تجهیزاتی این بندر صورت گرفته که به عنوان یک سند بالاستی پیگیری می‌شود،

به گزارش ایرنا، کریم هستم در گفتگویی تلویزیونی افزود: پس از مطرح شدن پیشنهاد ایرانیان مقیم آمریکا با توجه به بد عهدی که آمریکا در مراحل قبلی کمک‌های بی‌امنی داشت و با توجه به مرگ و میری که در ایالات متحده وجود دارد، خیلی تمایل به پیگیری این موضوع وجود

همنی در داید شایعات مطرح شده درباره این که हाल احمر واکسن را آورده بود و توزیع کرده بود، گفت: احکسن و واردات آن به خصوص نوع فایزر در مراحل قبلی کمک‌های بی‌امنی داشت و با توجه به مرگ و میری که در ایالات متحده وجود دارد، خیلی تمایل به پیگیری این موضوع وجود

محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران در نامه‌ای به اظهارات خواهرش در باره حمایت از سیاست‌های ترامپ علیه ایران واکنش نشان داد.

این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم
شعری تلویزیونی افزود: پس از مطرح شدن پیشنهاد ایرانیان مقیم آمریکا با توجه به بد عهدی که آمریکا در مراحل قبلی کمک‌های بی‌امنی داشت و با توجه به مرگ و میری که در ایالات متحده وجود دارد، خیلی تمایل به پیگیری این موضوع وجود

محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران در نامه‌ای به اظهارات خواهرش در باره حمایت از سیاست‌های ترامپ علیه ایران واکنش نشان داد. این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم شعری تلویزیونی افزود: پس از مطرح شدن پیشنهاد ایرانیان مقیم آمریکا با توجه به بد عهدی که آمریکا در مراحل قبلی کمک‌های بی‌امنی داشت و با توجه به مرگ و میری که در ایالات متحده وجود دارد، خیلی تمایل به پیگیری این موضوع وجود

محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران در نامه‌ای به اظهارات خواهرش در باره حمایت از سیاست‌های ترامپ علیه ایران واکنش نشان داد. این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم شعری تلویزیونی افزود: پس از مطرح شدن پیشنهاد ایرانیان مقیم آمریکا با توجه به بد عهدی که آمریکا در مراحل قبلی کمک‌های بی‌امنی داشت و با توجه به مرگ و میری که در ایالات متحده وجود دارد، خیلی تمایل به پیگیری این موضوع وجود

و درمان است.

### ۴ فاز واکسنیون کرونا در ایران

رئیس‌ی همچنین با اشاره به تصویب کلیات‌سنیدملی واکسنیون کشور نامهما را رعایت کنند، چون به محض بهای این کار در رعایت دستورالعمل‌ها، بار بیماری افزایش خواهد یافت. سنخگوی ستاد ملی مقابله با کرونا گفت: اگر رعایت نکنیم، موج بعدی بیماری تبعات به مراتب سنگین‌تری خواهد داشت و علت آن هم جهش‌های ویروس است؛ چون ویروس ضعیف‌تر نشسته بلکه به واسطه جهش‌ها، قدرتمند شده است.

رئیس‌ی طرح شهید سلیمانی را بسیار موفق، ارزشمند و درست توصیف کرد: گفت: این طرح مبتنی بر اهداف شناسایی زردوس و فعال بیماران، قرنطینه کردن بیماران و شناسایی و غربالگری افرایان بیماران است.

معاون وزیر بهداشت افزود: هنر ما باید این باشد که از پیک بعدی بیماری جلوگیری کنیم واین نمی‌شود مگر به دو شرط که یکی اینکه همه ششوبه نامهما را درست و دقیق رعایت کنیم و دیگری برنامه ریزی‌های مناسب در حوزه پیشگیری و بهداشت

## نماینندگان مجلس در جلسه علنی دیروزخودبا ۱۹۱ارای موافق، ۲۳رای مخالف و ۱۸رای امتناع در قانون انتخابات رئیس جمهوری تصویب کردند.

به گزارش ایرنا، نمایندگان مجلس مصوب کردند که شورای نگهبان سه ماه پیش از ثبت نام داوطلبان واجد شرایط رئیس‌جمهوری از آنان دعوت به عمل می‌آورد تا سوابق و برنامه‌های داوطلبی خود را به این شورا ارائه دهند. در تفسره این ماده هم آمده است: وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور و سایر مراجع ذیصلاح مکلفند ظرف مدت ۱۵روز از تاریخ لزوم اداره انتخابات ششورای نگهبان را در صورت لزوم هر یک از اعضای شورای نگهبان مدارک یا سوابق مربوط به داوطلبان رئیس‌جمهوری را به صورت کامل تحویل دهند.

تخلف از اجرای حکم این ماده توسط هر یک از مقامات و ادارات دستگاه‌های دیگر شده مستوجب یکی از مجازات تعزیری درجه شش و موضوع ماده قانون مجازات اسلامی در دادگاه صالح است.

همچنین نمایندگان مجلس با رای موافق به اصل ماده ۴ طرح اصلاح مسوادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری معیارهای مدیر و مدیر بودن نامزدها را تعیین کردند.

رئیس جمهوری افزود: رسالت این بورس، کشف قیمت واقعی محصولات بوده و سیاست اصلی دولت این است که قیمت گذاری کالاها بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا و قواعد بازار رقابتی صورت گیرد که این مساله در نهایت به نفع بازار، تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی است. وی با اشاره به برنامه های دولت برای کنترل و مقابله با افزایش بی‌دلیل قیمت برخی کالاها، تصریح کرد: دولت همواره بر اساس سیاست های اصلی خود مبتنی بر تقویت بازار سرمایه با محوریت بورس، تلاش دارد با تسهیل فعالیت‌ها و کاهش محدودیت‌ها و اعتماد به شرکت‌ها، با سابقه و خوشنام و موثر که با ثبات رویه و با رعایت مقررات عمل کرده‌اند و همواره موجب رونق بازارهای داخلی و خارجی بوده‌ اند، زمینه افزایش فعالیت و خرید و فروش در بورس کالا را فراهم کند.

رئیس جمهوری افزود: رسالت این بورس، کشف قیمت واقعی محصولات بوده و سیاست اصلی دولت این است که قیمت گذاری کالاها بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا و قواعد بازار رقابتی صورت گیرد که این مساله در نهایت به نفع بازار، تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی است. وی با اشاره به برنامه های دولت برای کنترل و مقابله با افزایش بی‌دلیل قیمت برخی کالاها، تصریح کرد: دولت همواره بر اساس سیاست های اصلی خود مبتنی بر تقویت بازار سرمایه با محوریت بورس، تلاش دارد با تسهیل فعالیت‌ها و کاهش محدودیت‌ها و اعتماد به شرکت‌ها، با سابقه و خوشنام و موثر که با ثبات رویه و با رعایت مقررات عمل کرده‌اند و همواره موجب رونق بازارهای داخلی و خارجی بوده‌ اند، زمینه افزایش فعالیت و خرید و فروش در بورس کالا را فراهم کند.

رئیس جمهوری افزود: رسالت این بورس، کشف قیمت واقعی محصولات بوده و سیاست اصلی دولت این است که قیمت گذاری کالاها بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا و قواعد بازار رقابتی صورت گیرد که این مساله در نهایت به نفع بازار، تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی است. وی با اشاره به برنامه های دولت برای کنترل و مقابله با افزایش بی‌دلیل قیمت برخی کالاها، تصریح کرد: دولت همواره بر اساس سیاست های اصلی خود مبتنی بر تقویت بازار سرمایه با محوریت بورس، تلاش دارد با تسهیل فعالیت‌ها و کاهش محدودیت‌ها و اعتماد به شرکت‌ها، با سابقه و خوشنام و موثر که با ثبات رویه و با رعایت مقررات عمل کرده‌اند و همواره موجب رونق بازارهای داخلی و خارجی بوده‌ اند، زمینه افزایش فعالیت و خرید و فروش در بورس کالا را فراهم کند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

گفتند است، رهبر معظم انقلاب روزجمعه۱۹دیماه در سخنرانی خود درود اعلام آمریکایی و انگلیسی به کشور و آمونوع اعلام کردند و گفتند: آمریکایی‌ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتخار کرویانی در کشورشان بوجود می‌آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند. ضمن این که اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن‌ها برای آزمایش بر روی ملت‌هاست. ایشان افزودند: البته با سابقه‌ای که فرانسوی‌ها در قفسه خون‌های اهل‌الوده دارند، به آنها هم خوش‌بین نیستیم، اما تهیه واکسن که کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارند.

مختلف و عملکرد سه قوه می‌تواند ورود کند و بر همین اساس پرونده تشکیل دهد. وی افزود: سالانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون فقره چک بین مردم رد و بدل می‌شود که این کار مشکلات زیادی را برای مردم ایجاد کرده‌است و بر همین اساس قانون چک را اصلاح کردیم و بایسد ـ از ۲۱ آذر ۱۳۹۹ این قانون اجرا می‌شد که البته بخشی از این قوانین اجرا شده و بخشی از آن هنوز اجرا نشده‌است و بر همین اساس

### روزمایش نیروی زمینی ارتش به زودی بر گزار می‌شود

روزمایش به اهداف پیش بینی شده رسیدیم، گفت: این رزمایش جدیدترین دستاوردهای نیروهای مسلح در حوزه رزم هوایی ارائه شد که نمایش از اقتدار کشورمان را تهدید تحریم چهار دهه ایران است، وی با تأکید بر این که امروز یگان‌های ارتش به یگان‌رزمی و شناسایی تبدیل شده‌اند، خاطر نشان کرد: استفاده از پهپادهای متنوع در رزمایش مشترک پهپادی ارتش نشان داد که امروز یکی از نقاط قوت ما در برابر تهدید دشمنان یکپارچه‌ای است و امروز این یگان به عنوان یکی از یگان‌های رزمی و شناسایی در رزمایش‌های می‌تواند حضور ویژه داشته باشد. امیر حبیبی با اشاره به قابلیت‌های این یگان در ارائه آتالین اطلاعات به ستاد فرماندهی و کنترل افزود: از مهمترین ویژگی‌های این یگان در حوزه شناسایی و انتقال اطلاعات دقیق از منابع و تجهیزات دشمن به ستاد فرماندهی و کنترل است که به صورت آتالین این اطلاعات را در اختیار یگان قرار می‌دهد و ستاد

## با تصویب مجلس داوطلبان رئیس جمهوری باید بر نامه خود را به شورای نگهبان ارائه دهند

داوطلب ثبت نام از لغو می‌شود. نمایندگان مجلس در جریان بررسی طرح اصلاح مسوادی از قانون انتخابات رئیس جمهوری، ماده ۹این طرح را با ۱۸۳رای موافق، ۱۸رای مخالف و ۲رای امتنع از ۲۵۴نماینده حاضر تصویب کردند.

به گزارش ایرنا، نمایندگان مجلس مصوب کردند که شورای نگهبان سه ماه پیش از ثبت نام داوطلبان واجد شرایط رئیس‌جمهوری از آنان دعوت به عمل می‌آورد تا سوابق و برنامه‌های داوطلبی خود را به این شورا ارائه دهند. در تفسره این ماده هم آمده است: وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور و سایر مراجع ذیصلاح مکلفند ظرف مدت ۱۵روز از تاریخ لزوم اداره انتخابات ششورای نگهبان را در صورت لزوم هر یک از اعضای شورای نگهبان مدارک یا سوابق مربوط به داوطلبان رئیس‌جمهوری را به صورت کامل تحویل دهند.

تخلف از اجرای حکم این ماده توسط هر یک از مقامات و ادارات دستگاه‌های دیگر شده مستوجب یکی از مجازات تعزیری درجه شش و موضوع ماده قانون مجازات اسلامی در دادگاه صالح است. همچنین نمایندگان مجلس با رای موافق به اصل ماده ۴ طرح اصلاح مسوادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری معیارهای مدیر و مدیر بودن نامزدها را تعیین کردند.

رئیس مجلس هم به آغاز نشست جلسه علنی دیروز با اشاره به برنامه رهبر انقلاب در سالروز قیام تاریخی مردم قم گفت: بیانات حکیمانه و مدبرانه رهبر انقلاب در سالروز قیام تاریخی مردم قم آینده رسیدن به ایران قوی را تسهیم کرد و به عنوان فصل الخطاب، نقشه راه پیگیری مشکلات مردم ایران را برای همه ما مسئولان روشن فرمود.

توفیقنامه مقدس نیست بلکه با شرطی مورد پذیرش جمعیت اسلامی قرار گرفته است تا تحریرها برای ندادن بازگشت آمریکاییه‌ها به برنامه برای امامعینی تدارک‌بلیکه برای ما فقط رفع عملی تحریم‌ها موضوعیت دارد.

وی گفت: برای مگهان آشکار شد راهبرد اصلی کشور: در همکاری با دشمن بی‌اثر کردن تحریم‌هاست که مقدمه رفع تحریم‌ها محسوب می‌شود و برای رفع تحریم‌ها باید تولید قدرت کرد: تولید قدرتی از جنس آن که دانشمندان هسته‌ای از جمله شهید فخری زاده انجام دادند. وی اضافه کرد: متفکلی و درست دانستن قانون لغو تحریم‌ها از سوی ایشان مهر تأییدی است بر این قانون و ظرفیت مناسبی برای این هدف ایجاد و نظام محاسباتی دشمن را اصلاح می‌کند که دران اعمال تحریم‌های می‌هرینه به پایان رسیده است، جبهه غرب باید حقوق ملت ایران را به رسمیت بشناسد و این فشارها به ایران وارد کرد، باید خود را آماده پرداختن هزینه متناسب آن ببیند.

رئیس مجلس در ادامه در باره برجام گفت: بدون اینکه به دنبال خروج از برجام باشیم بر اساس مدار ۱۳۳۲ طرح‌چهارده تیرد برابر اجرا نشدن تعهدات قابل تعهدات خودمان را اجرا نکنیم، لذا با قاطعیت اعلام می‌کنیم ایران زمانی تعهدات خود را اجرا می‌کند که آنها هم تعهدات خود را عمل کنند و همه تحریم‌ها برجامی و دستورات اجرایی رئیس‌جمهوری آمریکا را رفع شود.

قالبات با بیان اینکه امضای بایدن برای توافق نامزدی در این موضع غیرخواهی کنی و مانع خروج پدر از طردجیدبنظرطلبان خارجی و افراطیون داخلی شوی. برادرت محسن" ترو و توهین علیه ایران انعام نداد و سیاستمداری لنین و قمارباز است و من سقوط ترامپ را به ملت‌های ایران و آمریکا تبریک گفتیم.

می‌دانم که در سال‌های اخیر برخورد‌های نام‌دستی با تو، خانواده و فرزندت شده است که شاید باعث کشاندن تو به تندروی و خارج شدن از منشی نهادهای پدر گردیده، ولی این دلیل نمی‌شود که به رئیس‌جمهور کشور بیگانه آدمی ببندی و از استقبال بزنی! لذا از تو صمیمانه تقاضا دارم جمعیت‌های خود را اصلاح و از موضع غیرخواهی کنی و مانع خروج پدر از طردجیدبنظرطلبان خارجی و افراطیون داخلی شوی.

برادرت محسن" ترو و توهین علیه ایران انعام نداد و سیاستمداری لنین و قمارباز است و من سقوط ترامپ را به ملت‌های ایران و آمریکا تبریک گفتیم.

می‌دانم که در سال‌های اخیر برخورد‌های نام‌دستی با تو، خانواده و فرزندت شده است که شاید باعث کشاندن تو به تندروی و خارج شدن از منشی نهادهای پدر گردیده، ولی این دلیل نمی‌شود که به رئیس‌جمهور کشور بیگانه آدمی ببندی و از استقبال بزنی! لذا از تو صمیمانه تقاضا دارم جمعیت‌های خود را اصلاح و از موضع غیرخواهی کنی و مانع خروج پدر از طردجیدبنظرطلبان خارجی و افراطیون داخلی شوی.

برادرت محسن" ترو و توهین علیه ایران انعام نداد و سیاستمداری لنین و قمارباز است و من سقوط ترامپ را به ملت‌های ایران و آمریکا تبریک گفتیم.

می‌دانم که در سال‌های اخیر برخورد‌های نام‌دستی با تو، خانواده و فرزندت شده است که شاید باعث کشاندن تو به تندروی و خارج شدن از منشی نهادهای پدر گردیده، ولی این دلیل نمی‌شود که به رئیس‌جمهور کشور بیگانه آدمی ببندی و از استقبال بزنی! لذا از تو صمیمانه تقاضا دارم جمعیت‌های خود را اصلاح و از موضع غیرخواهی کنی و مانع خروج پدر از طردجیدبنظرطلبان خارجی و افراطیون داخلی شوی.

برادرت محسن" ترو و توهین علیه ایران انعام نداد و سیاستمداری لنین و قمارباز است و من سقوط ترامپ را به ملت‌های ایران و آمریکا تبریک گفتیم.

می‌دانم که در سال‌های اخیر برخورد‌های نام‌دستی با تو، خانواده و فرزندت شده است که شاید باعث کشاندن تو به تندروی و خارج شدن از منشی نهادهای پدر گردیده، ولی این دلیل نمی‌شود که به رئیس‌جمهور کشور بیگانه آدمی ببندی و از استقبال بزنی! لذا از تو صمیمانه تقاضا دارم جمعیت‌های خود را اصلاح و از موضع غیرخواهی کنی و مانع خروج پدر از طردجیدبنظرطلبان خارجی و افراطیون داخلی شوی.

برادرت محسن" ترو و توهین علیه ایران انعام نداد و سیاستمداری لنین و قمارباز است و من سقوط ترامپ را به ملت‌های ایران و آمریکا تبریک گفتیم.

می‌دانم که در سال‌های اخیر برخورد‌های نام‌دستی با تو، خانواده و فرزندت شده است که شاید باعث کشاندن تو به تندروی و خارج شدن از منشی نهادهای پدر گردیده، ولی این دلیل نمی‌شود که به رئیس‌جمهور کشور بیگانه آدمی ببندی و از استقبال بزنی! لذا از تو صمیمانه تقاضا دارم جمعیت‌های خود را اصلاح و از موضع غیرخواهی کنی و مانع خروج پدر از طردجیدبنظرطلبان خارجی و افراطیون داخلی شوی.

## اجازه رهبر معظم انقلاب برای حسابرسی از بانک مرکزی و صدا و سیما

رئیس کل بانک مرکزی در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در مورد موضوع رسوم مطرح‌ه در این کمیسیون گفت: سازمان حسابرسی می‌تواند درباره بانک مرکزی ورود کند و فقط تاکنون درباره بانک مرکزی و صدا و سیما و گورانی نداشته است که برای این موضوع هم پرونده تشکیل دادیم و مقام















## اطلاعات

## در متن و میانهٔ زندگی

#### دکتر غلامحسین دینانی



اکاهی پیش از هر چیز دیگر جنبه الهی و انسانی‌وار دارد، ولی اراده به همان اندازه کسه می‌تواند الهی و آسمانی بوده باشد، از آنچه جنبه زمینی و گناه‌داره بودن خوانده می‌شود نیز برکنار نیست. هیچ فیلسوفی در فلسفه خود بیش از کانت و شopenhaur از اراده بهره‌برداری نکرده است. ولی همه آنچه در فلسفه پرترفدار کانت برمی‌آید، این است که خداندن سبحان فقط یک اصل موضوعی برای یک نظام اخلاقی است. چیزی دیگری از قول به «اصالت اراده» برنمی‌آید. البته همه کسانی که به مقدم

اراده بر عقل باور دارند، از این سخن خرسند می‌شوند و با همین نوع از نگاه به هستی می‌نگرند. تاریخ نیز در نظر این‌گونه اشخاص جز بسط اراده انسان، آن‌هم یک اراده کور، چیز دیگری نیست.

وقتی از اراده کور سخن گفته می‌شود، منظور این است که اراده نسبت به آنچه غیر مراد خود خوانده می‌شود، مسدود و درسته است و نمی‌تواند به مشاهده آنها پردازد، در حالی که عقل همواره به روی غیر خود مفتوح است و در زیان که مظهر آن شناخته می‌شود، جلوه‌های خود را یکی پس از دیگری ظاهر و آشکار می‌سازد. زیان تجسد تفکر است و تفکر جلوهٔ بارز عقل به‌شمار می‌آید. بدون زیان تفکر امکان‌پذیر نیست و اگر هم امکان‌پذیر باشد، هرگز به ظهور و بروز نخواهد رسید. به عبارت دیگر می‌توان گفت: زیان نور هستی است و آنجا که نور نباشد، همه چیز در ظلمت و تاریکی فرو می‌رود. نور به حسب ذات خود روشن است و هر چیز دیگری را نیز روشن می‌کند. زیان نیز از همین خصلت برخوردار است و به حکم اینکه در خود و برای خود ظاهر است، امور دیگر را نیز به ظهور می‌رساند.

انسان به حکم اینکه دارای زیان است، می‌تواند دربارهٔ جهان سخن بگوید. کسی می‌تواند دربارهٔ جهان سخن بگوید که او در مقابل جهان قرار می‌گیرد و در اینجااست که بیش از هرچیز دیگر شکفت‌انگیز بودن هستی انسان آشکار می‌شود، زیرا انسان هم در جهان است و هم در مقابل جهان موضع می‌گیرد. شکفت‌انگیز بودن وجود انسان به گونه‌ای دیگر نیز ظاهر و آشکار می‌گردد: قرار گرفتن در میان آزادی و سرنوشت از جمله تقابل‌هایی است که انسان آن را ادراک می‌کند و هیچ موجود دیگری در این جهان از آن آگاهی ندارد. انسان با قرار گرفتن در این تقابل با موجودات دیگر ممتاز می‌گردد. آزادی انسان بیش از هر چیز دیگر در آنجا ظاهر می‌شود که او می‌تواند با خود به مخالفت پردازد و از خواسته‌های خوش صرف‌نظر کند. موجودات دیگر از قدرت مخالفت با خود برخوردار نیستند. شجاعت مخالفت کردن با خود را هرگونه شجاعت دیگری که در اثر مخالفت با غیر خود به ظهور می‌رسد، بیشتر است.

انسان نه تنها از قدرت مخالفت با خواسته‌های خود برخوردار است، بلکه از قدرت غلبه کردن بر اضطرارهای درونی خویش نیز برخوردار است. تردیدی نمی‌توان داشت که قدرت غلبه انسان بر خواسته‌های خود، از یکسو و غلبه بر خود برخوردار نیستند. شجاعت مخالفت کردن با خود را هرگونه شجاعت دیگری که در اثر مخالفت با غیر خود به ظهور می‌رسد، بیشتر است. انسان نه تنها از قدرت مخالفت با خواسته‌های خود برخوردار است، بلکه از قدرت غلبه کردن بر اضطرارهای درونی خویش نیز برخوردار است. تردیدی نمی‌توان داشت که قدرت غلبه انسان بر خواسته‌های خود، از یکسو و غلبه بر خود برخوردار نیستند. شجاعت مخالفت کردن با خود را هرگونه شجاعت دیگری که در اثر مخالفت با غیر خود به ظهور می‌رسد، بیشتر است.

موازن اخلاقی اگرچه مطلق شناخته می‌شوند، ولی به‌واسطه امر الهی و دستور خداوند تبارک و تعالی مفید می‌شوند و به حالت تعلیق درمی‌آیند. حقیقت این بیش از آنکه از طریق عقاید و استدلال منطقی برای انسان آید، گردد، از راه شحیت به ظهور می‌رسد. البته امید به رستگاری نیز از این باب نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌کند. کسانی که از موازین اخلاقی به عنوان تفکر فطری سخن می‌گویند، به این نکته توجه ندارند که منشأ پیدایش اخلاقی در انسان، نوعی بررسی و مقایسه است که در میان آنچه هست و آنچه باید باشد، صورت می‌پذیرد.

ادامه دارد

اشاره: در بخش اول این مقاله ملاحظاتی کلی دربارهٔ مشترکات سفرنامه‌های نجم‌الدوله بیان شد، اکنون جاذگانه می‌توان تفصیل بیشتر، به ارائه و تحلیل مندرجات آنها پرداخته و با شهود...

##### ۱- سفرنامه حج

این سفرنامه در شرح مسافرت نجم‌الدوله به مکه معظمه است که متجاوز از ۹ ماه - از شمعیان ۱۲۹۶ تا جمادی الاولی ۱۲۹۷ه‍.ق - به طول انجامیده است. این سفرنامه نه تنها حاوی انواع اطلاعات سوغند دربارهٔ نقاط مسیر سفر نجم‌الدوله در ایران، عراق و حجاز - در رفت و برگشت است، بلکه به منزله آئینه تمام نمای است از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آداب و رسوم سرزمین‌های یاد شده که در جای‌جای آن، رهنمودها و پیشنهادهای مفیدی برای رفع نارسایی‌ها و دشواری‌های گوناگون موجود در شئون مختلف کشور و به منظور بهبود وضع معیشت مردم و ترقی و تعالی مملکت ارائه شده است.

«سفرنامهٔ حج» بدین‌گونه آغاز می‌شود: «خان‌داد [= خانه زاد] بعد از استیذان از خاک پای امیر مبارک همایون اعلی در پیست‌ودوم ماه شعبان ۹۶ به عزم زیارت بیت‌الله‌الحرام، بیرون رفت و در چهاردهم جمادی الاخری ۹۷ به طهران بازگشت نمود»

نجم‌الدوله در مسیر رفت، به ترتیب از شهرهای قم، اراک، همدان، کرمانشاه و قصرشیرین عبور می‌کند و با پشت سر گذاردن مرز ایران و عراق - در خاتین - وارد خاک عراق - که آن زمان جزء مستملکات دولت عثمانی محسوب می‌گردید - شده و سپس به بغداد می‌رسد. نجم‌الدوله، چند روزی را به زیارت عتبات عالیات سپری می‌کند و سپس برای ادامهٔ مسیر خود تا حجاز، مسیر دریایی را برمی‌گزیند: در بغداد برکشی کوچکی سسوار شده، از روی دله به صوب بصره حرکت می‌کند. بعد از چند روز، به کشتی دیگری انتقال یافته، و در ۲۲ شوال به بصره وارد می‌شود. بعد از سه روز اقامت در این شهر، بر کشتی بزرگ‌تری نشسته به سوی بندر بوشهر عزیمت می‌کند. بعد از کنار گذرهای (= قصرشهر کنونی) عبور می‌کند و در ۲۸ شوال به بوشهر می‌رسد. سه روز بعد، از این شهر، با کشتی، به مقصد جده حرکت می‌کند و در عرض راه از کنار بندر عباس، جزیرهٔ قشم، تنگهٔ هرمز و سپس مسقط و عدن و تنگهٔ باب‌المندب می‌گذرد و در ۱۸ ذیقعدله وارد جده می‌شود. تفسیر راه را از مکه، از طریق زمینی، طی کرده و سرانجام در ۲۶ ذیقعدله - پس از گذشت دو ماه از زمان عزیمت از طهران - به مکه معظمه می‌رسد.

نجم‌الدوله، برای بازگشت به ایران مسیری متفاوت - راه خشکی - را انتخاب می‌کند و پس از سپری کردن روزهای متدای (حدود ۸۰ روز) در صحاری بی‌آب و علف عربستان با تحمل مصائب و نازهای فراوان به نجف اشرف می‌رسد. وی چند زمانی، در شهرهای نجف، کربلا کاظمین و سامرا، به منظور زیارت مقام مبرکه ائمه اطهار اقامت می‌گزیند و سپس از بغداد، از راهی که احتمالاً، کم و بیش، مطابق با مسیر اوست، عازم ایران می‌شود.

سفرنامه کوتاه ولی پر محتوا و خواندنی نجم‌الدوله دربارهٔ مسافرت به بیت‌الله الحرام، حداقل، دارای دو ویژگی شاخص و شایان تحسین است:

یک - فرصت‌جویی نویسندهٔ سفرنامه از لحظه به لحظهٔ این مسافرت برای گردآوری و کسب انواع اطلاعات سوغند و دست اول دربارهٔ امور و شئون گوناگون شهرها، مناطق، روستاهای واقع در مسیر راه در زمینه‌های جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و غیر آن، همراه با انتقادهای دلسوزانه از باسامانی‌های نارسایی‌ها و نازوایی‌های موجود در این مناطق و ارائهٔ پیشنهادهایی به مسئولان برای رفع آنها، شایان توجه است که نجم‌الدوله، حتی درباره شهرها و تقاطعی که از کنار آنها با فواصلی عبور کرده است (نظیر خرمشهر، بندرعباس، قشم، هرمس، عدن، ...) نیز از ارائهٔ آگاهی‌های مختصر، ولی موثق درج نکرده است.

دو - ملاحظات میهن‌دوستانه و عواطف بی‌شائبهٔ نامبرده نسبت به مردم مملهان و هموطنان و اظهار تأسف و تألم و تأثر و ی وی از اعمال اقسام خنوث، اجحاف و تبعیض دربارهٔ ایرانیان و شیعیان در طول سفر حج و به‌ویژه توهین‌ها و تحقیرهایی که در جریان این مراسم به آنها می‌شود.

##### ۲- سفرنامه خوزستان(سفرنامه اول نجم‌الدوله)

این سفرنامه شرح و تفصیل نخستین سفر نجم‌الدوله به خوزستان، مورخ ۱۲۹۹ه‍.ق است که به دستور ناصرالدین شاه و به قصد بررسی امکان بازسازی سد باستانی اهواز و برآورد هزینه‌های ترمیم آن انجام گرفته است. این سفر در پیست‌ودوم ذی‌الحجه ۱۲۹۹ اقمری آغاز و در چهاردهم رمضان همان سال پایان پذیرفته؛ بنابراین ۸ ماه و ۲۲ روز طول کشیده است.

سفر مزبور از تهران آغاز شده و از راه قم و کاشان و اصفهان و بروجرد و خرم‌آباد و دزفول به خوزستان منتهی شده

#### کند و کاوی در سه سفرنامهٔ کم نظیر عصر قاجار

## نجم‌الدوله،سفرنامه‌نویسی

## دقیق و بی‌بدیل

## دکتر احمد کتابی

#### بخش دوم و پایانی



و در مسیر بازگشت از راه بختیاری و اصفهان و کاشان و قم، باز در تهران پایان یافته است. متن این سفرنامه، نخستین‌بار به تصحیح و اهتمام استاد فقید دکتر سید محمد دبیر سیاهی احمد سهیلی خوساوری، توسط خود نامبرده، در حراج کتابهای مرحوم خحالی، در سال ۱۳۳۸ خورشیدی، برای کتابخانهٔ ملک خیرابری شده است. شایان ذکر است که روائشدهٔ حاج آقا حسین ملک - بابی کتابخانه و موزهٔ ملک - در ذیل نوشتهٔ مرحوم سهیلی خوساوری یادداشتی به شرح زیر نگاشته است:

«بسیار کتاب مفید و جامعی است که بهتر از این نمی‌توان در اقتصادات و سیاست و وقوف به احوال و اشخاص و امکته و استعداد ارضی آن فصاحت به دست آورد»
ناگفته نماند که استاد ارجمند دکتر سید محمد دبیر سیاهی، و انتشارش را در کتابش و تحمض‌های بسیار، چنان که خود نگاشته‌اند، به رغم تلاش‌ها و

خط تسلیع زیبا و خوانایی نگاشته شده و ضمناً حاوی کتابچهٔ دستورالعمل ناصرالدین شاه به نجم‌الدوله درخصوص سفر اول

به توضیح و اهتمام استاد فقید دکتر سید محمد دبیر سیاهی احمد سهیلی خوساوری، توسط خود نامبرده، در حراج کتابهای مرحوم خحالی، در سال ۱۳۳۸ خورشیدی، برای کتابخانهٔ ملک خیرابری شده است. شایان ذکر است که روائشدهٔ حاج آقا حسین ملک - بابی کتابخانه و موزهٔ ملک - در ذیل نوشتهٔ مرحوم سهیلی خوساوری یادداشتی به شرح زیر نگاشته است:

«بسیار کتاب مفید و جامعی است که بهتر از این نمی‌توان در اقتصادات و سیاست و وقوف به احوال و اشخاص و امکته و استعداد ارضی آن فصاحت به دست آورد»
ناگفته نماند که استاد ارجمند دکتر سید محمد دبیر سیاهی، چنان که خود نگاشته‌اند، به رغم تلاش‌ها و تحمض‌های بسیار، چنان که خود نگاشته‌اند، به رغم تلاش‌ها و

### آگهی مزایده

**شرکت کشت وصنعت شریف آباد** در نظر دارد تعداد ۹۳۵ راس دام به شرح ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:

۱-گوساله نر شیر خوار ۴۰۰ راس

۲-گوساله نر ۹۳- ماهه ۴۵۰ راس

۳-گوساله نر ۲۵۰- ۳۰ کیلوگرمی ۷۰ راس

۴-گوساله نر ۵۰۰ کیلوگرمی ۱۵ راس

شایان ذکر است که هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مزایده می باشد.
مهلت ثبت نام:از تاریخ انتشار آگهی به مدت یک هفته می باشد.
محل ثبت نام: جاده قدیم تهران، ابتدای جاده خاکلی، بعد از پل راه آهن، سمت راست، شرکت کشت و صنعت شریف آباد

## آگهی مزایده

**شرکت بهنوش ایران** در نظر دارد اقدام

مزاد و ضایعاتی خود را از طریق مزایده به

فروش برساند. از متقاضیان دعوت به عمل می آید جهت

دریافت فرم شـرکت در مزایده به آدرس: کیلومتر ۹

جاده مخصوص کرج، روبروی پارس خودرو، خیابان

شهید پوری، پلاک ۵-را جعه نماید. آخرین مهلت

تحویل پاکت‌های مزایده تا پایان وقت اداری روز شنبه

مورخ ۱۳۹۱/۱/۴ و زمان برگزاری جلسه مزایده راس

ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۳۹۱/۱/۵ می باشد.

به اطلاع می رساند به استناد مصوبه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۱ امجوز شمارهٔ ۴۴-۳۵۴۸-۹۹۴ مورخ ۱۳۹۱/۴/۷ سازمان بورس و اوراق بهادار مقدار گردید سرمایه

شرکت از مبلغ ۲۰۲۵ میلیارد ریال به مبلغ ۲۳۴ میلیارد ریال افزایش یابد. در مهلت تعیین شده جهت استفاده از حق تقدم خرید سهام، تعداد ۹۶۶,۶۶۸,۹۵۲ سهم از سهام جدید

توسط سهامداران شرکت به پذیرنویسی گردیده است. به عنایت به انتقاضی مهلت استفاده از حق تقدم مذکور و به منظور تحقق افزایش سرمایه، تعداد ۹,۳۲۱,۰۴۷ سهم ۱,۰۰۰ ریالی

(استاندهٔ نشدهٔ سهامداران برای پذیرنویسی عمومی با عنایت به مجوز شمارهٔ ۱۵۱۱۶۴۲۷-۴۰۰۹۱۱۶۲۹۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰ ادارهٔ ثبت شرکت ها به شرح زیر عرضه می گردد:

۱) موضوع فعالیت شرکت:
الف- سرمایه گذاری در سهام، بهر شرکت، واحدهای سرمایه گذاری صندوق ها یا سایر اوراق بهادار دارای حق رأی با هدف کسب انتفاع به طوری که به تنهایی یا به همراه اشخاص تحت کنترل یا اشخاص تحت کنترل و اشخاص تحت کنترل شرکت، مؤسسه یا صندوق سرمایه گذاری یا سایر اوراق بهادار دارای حق رأی با هدف کسب انتفاع به طوری که در زمینه فارو ده های دارویی (اعم از مواد اولیه یا محصول نهایی) فعالیت کند.
۲-تأمین منابع مالی از ارتباط با اشخاص سرمایه پذیر موضوع بند ۱ فوق
۳-تأمین منابع مالی از طریق خرید مواد اولیه و ماشین آلات برای اشخاص حقوقی سرمایه پذیر؛
۴-خدمات طرحی مهندسی و مشاوره و تضمین پروژه‌ها برای اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر؛
۵-انجام مطالعات تحقیقاتی و بررسی‌های تکنولوژیکی، فنی، علمی، بازرگانی و اقتصادی برای بهره برداری توسط اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر؛
۶-تأمین منابع مالی از اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر از منابع داخلی شرکت یا از طریق سایر منابع از جمله اختصای بانکی به نام شرکت از اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر؛
۷-تأمین بازپرداخت از طریق شرکت با بدون تأمین وثیقه یا تضمین بازپرداخت، تضمین بازپرداخت کلی و راهبردی و تضمین وثیقه یا تضمین بازپرداخت،
۸-تأمین تسهیلات مالی و خدماتی برای اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر؛
۹-تأمین تسهیلات مالی و خدماتی برای اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر؛
۱۰-تأمین تسهیلات مالی و خدماتی برای اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر؛
۱۱-تأمین تسهیلات مالی و خدماتی برای اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر؛
۱۲-ارائه سایر خدمات فنی، مدیریتی، اجرایی و مالی به اشخاص حقوقی سرمایه‌پذیر.

۱۳-سرمایه گذاری با هدف کسب انتفاع و کنترل عملیات یا نفوذ قابل ملاحظه در سهام،سهم‌التشر که و سایر اوراق بهادار دارای حق رأی آن عده از اشخاص حقوقی که خدمات زیر را منحصراً به

اشخاص سرمایه‌پذیر یا علاوه بر اشخاص سرمایه‌پذیر به دیگران ارائه می نمایند.

۱-۳ خدمات موضوع بند ۲ فوق

۲-۳ حمل و نقل، باربری، بازرایی، توزیع و فروش محصولات.

۳-۳ موضوع فعالیت های فرعی

۱- سرمایه گذاری در مسکوت، فلزات گرانبها، گواهی سدرده بانکی و سپرده‌های سرمایه‌گذاری نزد بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری مجاز؛

۲- سرمایه گذاری در سهام، بهر شرکت، واحدهای سرمایه گذاری صندوق ها یا سایر اوراق بهادار دارای حق رأی شرکت ها موسسات یا اشخاص دارای سرمایه گذاری با هدف کسب انتفاع به طوری که

به تنهایی یا به همراه اشخاص تحت کنترل و اشخاص تحت کنترل و اشخاص تحت کنترل شرکت، مؤسسه یا صندوق سرمایه‌گذاری سرمایه‌پذیر را در اختیار نگرفته یا در آن نفوذ قابل ملاحظه نیابد؛ یا در صورت

در اختیار گرفتن کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه، صندوق حقوقی و سرمایه پذیر در موضوعات غیر از افزایش سرمایه، در بدهای ( و ) قسمت الف این ماده فعالیت نماید.

۳- سرمایه گذاری در سایر اوراق بهادار که به طور معمول دارای حق رأی نیست و توانایی انتخاب مدیر یا کنترل ناشر را به مالک اوراق بهادار نمی‌دهد.

۴- سرمایه گذاری در سایر اوراق های خارج از حله دارای های فیزیکی، بروزه های تولیدی و بروزه های ساختمانی با هدف کسب انتفاع؛

۵- ارائه حله مرتبط با اوراق اوراق بهادار از حله.

۵-۱ پذیرش سمت در صندوق های سرمایه گذاری؛

۵-۲ تأمین مالی برای بازپرداخت اوراق بهادار؛

۵-۳ مشارکت در تعهد پذیرنویسی اوراق بهادار؛

۵-۴ تضمین نقدشوندگی، اصل یا حداقل ضمانت برای اوراق بهادار

۵-۵ شرکت می‌تواند در راستای اجرای فعالیت‌های مذکور در این ماده، در حدود دراختیار مفاد اساسنامه اقدام به اخذ تسهیلات مالی یا تعهدات مالی نماید یا اسناد اعتباری بانکی افتتاح کند و به وارادت یا

مدارات کالا پردازد و امور گمرکی مربوطه را انجام دهد. این اقدامات فقط در صورتی مجاز است که در راستای اجرای فعالیت‌های مذکور در این ماده باشد و انجام آن ها در مقررات منع نشده باشد.

۶) **مرکز مشاوره و مشاورت مشاورت شغب شرکت در کسب سهم:**
استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، میدان آراوتینسر، سامعی، خیابان شهید احمد قصیر، خیابان پنجم، پلاک ۱۱، طبقه سوم، کدپستی: ۱۵۱۲۷۸۱۱ و شرکت کدپستی: ۱۵۱۲۷۸۱۱

۵) **سرمایه فعلی سرمایه:** ۲,۷۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال.

۵) **مبلغ افزایش سرمایه:** ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۷) **سرمایه سرمایه یان و افزایش:** ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال.

۹) **سرمایه سهامداران:** ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال.

۱۱) **مبلغ مشارکت شده توسط سهامداران شرکت:** ۹۶۶,۶۶۸,۹۵۳,۰۰۰ ریال.

۱۳) **مشخصات اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت:**

۴) **موضوع افزایش سرمایه:** مشارکت در افزایش سرمایه شرکت های سرمایه پذیر

۶) **مبلغ افزایش سرمایه:** ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۸) **مدت شرکت:** نامحدود

۱۰) **ارزش اسمی هر سهم:** ۱۰۰ ریال.

۱۲) **تعداد اقسام قابل عرضه به عموم:** ۹,۳۲۱,۰۴۷ سهم.

۱) **شخص حقیقی یا حقوقی**

۲) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳) **البرز (درو سهامی عام)**

۴) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۶) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۷) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۸) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۹) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۰) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۱) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۲) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۳) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۴) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۵) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۶) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۷) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۸) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۱۹) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۰) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۱) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۲) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۳) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۴) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۵) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۶) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۷) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۸) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۲۹) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۰) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۱) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۲) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۳) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۴) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۵) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۶) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۷) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۸) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۳۹) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۰) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۱) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۲) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۳) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۴) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۵) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۶) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۷) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۸) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۴۹) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۰) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۱) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۲) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۳) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۴) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۵) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۶) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۷) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۸) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۵۹) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۶۰) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۶۱) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**

۶۲) **سرمایه گذار (برای سهامی عام)**





























۲۷۲  
شماره اجتماعی روزنامه اطلاعات  
دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۹ (سال سی و پنجم - شماره ۲۷۲۵)

# ساده زیستی، انتخاب مدرن





## میدان مشق



• ارمان زمان فشمی

## لابه‌لای این همه هیاهو

دنیا به سمت سادگی حرکت می‌کند. زندگی ماشینی، چنان پرهیاهو و آزارنده شده است که مردم، هر جا بتوانند از آن می‌گریزند. خانه‌های شلوغ، به خانه‌هایی با دکوراسیون مینیمال تبدیل می‌شوند؛ مثل خانه‌های ژاپنی‌ها که گویی از ابتدای تاریخ فقط لوازم ضروری زندگیشان را می‌خریدند و دوروبر خود را با چندین و چند دست مبل و راحتی و بوفه و کمد و میز و تیر و تخته شلوغ نمی‌کردند. اگر دقت کنید، آن‌ها غذا را هم تازه و به اندازه می‌پزند و روی آن میزهای کوتاه در کاسه‌های کوچک بامزه سرو می‌کنند و سعی دارند تمام غذای آماده‌شده را در همان وعده بخورند. یکی از رازهای عمر طولانی داشتشان هم همین است؛ خوردن غذای ساده و تازه.

این سادگی در جاهای دیگر هم دیده می‌شود. مردم دیگر حوصله خواندن متون طولانی و پیچیده را ندارند، سهل و ممتنع می‌پسندند. برای همین نویسندگان سعی دارند منظورشان را با استفاده از کمترین تعداد واژگان برسانند. خیلی جاها عکس، جای متن را گرفته است. حتی در تلفن همراه و کامپیوتر هم کسی مطالب طولانی را نمی‌خواند، بلکه اغلب مثل کودکانی که هنوز به دبستان نرفته‌اند، جذب تصاویر می‌شوند. یک عکس گویا، بهتر از صدها خط نوشته با مخاطب، ارتباط برقرار می‌کند. حتی وقتی پای کلیپ‌های تلگرامی و اینستاگرامی وسط باشد، دیگر حوصله دیدن بیش از چند دقیقه فیلم، وجود ندارد. باید در همان دقیقه اول بیننده را میخکوب کنی تا شاید پای فیلم بنشیند و ببیند حرف حساب چیست.

مثنوی‌های هفتادمن کاغذ به تاریخ سپرده می‌شوند. شاعران، بیش تر غزل و قطعه می‌سرایند تا قصیده و مثنوی. طبیعی است که جوان‌ترها کم‌کم وبلاگ‌نویسی و وبلاگ‌خوانی را کنار می‌گذارند و به توییتر رو می‌آورند، جایی که محدودیت کاراکتر دارد و بیش از چندجمله نمی‌شود نوشت. بنابراین همه مجبورند مختصر و مفید حرف بزنند و لب‌کلام را بدون حشو و حاشیه‌پردازی بگویند.

درهم و برهم بودن معماری و نقاشی و دکوراسیون، اغتشاش ایجاد می‌کند. همان‌طور که همزمان نمی‌شود به رادیو و ضبط صوت گوش داد، رویارویی همزمان با چندین آیتیم گوناگون در هر حوزه دیگری دشوار است. صنعت مد هم به سمت چشم‌نواز بودن پوشاک از طریق هماهنگی آن‌ها پیش رفته و اصطلاح «ست کردن» از همین‌جا می‌آید. در این تعریف، کسی خوش‌پوش است که رنگ هر لباسش، یک ساز نژند و ترکیب رنگ‌ها و اشکال، به هم بیایند، طوری که بیننده با دیدنش دچار آشفته‌گی نشود. هر چه ساده‌تر، شیک‌تر.

به دنیای کودکان نگاه کنید. با یک شکلات و یک اسباب‌بازی، ساعت‌ها شاد و سرگرم می‌شوند. دنیایشان ساده است، حرف زدنشان، راه رفتنشان، رفتارشان، ارتباط برقرار کردنشان، توقعاتشان... و همین جذابشان می‌کند.

کاش ما آدم‌بزرگ‌ها همیشه آن سادگی خالصانه را در درونمان نگه می‌داشتیم. دوز و کلک و دروغ و دورویی، همه از روزی شروع شد که کودکی‌هایمان را در بقیچه بالای تاقچه گذاشتیم و فراموش کردیم. یادمان رفت دنیای ساده و بی‌چگانه چه‌شکلی بود، برای همین لابه‌لای هیاهوها گم شدیم و هنوز خودمان را پیدا نکرده‌ایم.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود.  
از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.

Email:jameettelaat@gmail.com

تلفن: ۳۹۹۹۳۲۱۰

## زیرگذر اینترنت

## ساده‌زیستی، رمز موفقیت

نزدیک ظهر تقریباً هیچ حکم آزادسازی توسط قاضی‌ها صادر نمی‌شد.

وقتی هیأت قضات بعد از ناهار خوردن در حالی شارژشده به کارشان برمی‌گشتند، دوباره احتمال صدور حکم آزادسازی به ۶۵ درصد افزایش می‌یافت.

مشخص شد که نیروی اراده انسان مانند ماهیچه است که وقتی برای مدتی از آن استفاده می‌کند خسته و فرسوده می‌شود. هر بار تصمیم‌گیری مانند بالا بردن یک وزنه برای ماهیچه‌هاست و همان‌طور که بعد از هر تمرین، ماهیچه‌ها تان خسته می‌شود با تصمیم‌گیری‌های بیش تر، قدرت اراده‌تان کمتر می‌شود.

وقتی به عنوان یک قاضی، قدرت اراده شما در حال تحلیل رفتن باشد و مغزتان از تصمیم‌گیری خسته شود، خیلی ساده‌تر خواهد بود که همه را در زندان نگه دارید، به جای این که به مناظره بنشینید و تحلیل کنید که آیا یک زندانی می‌تواند آزاد شود یا خیر.

در این نکته ساده، یک دنیا درس نهفته است. مادامی که وقت و انرژی خود را صرف «چه بخورم» و «چه بپوشم» کنیم، قادر به گرفتن تصمیمات مهم و انجام کارهای بزرگ نخواهیم بود. با این تعریف شاید بتوان گفت که ساده‌زیستی، رمز موفقیت است.

«اینگوار کامپراد»، مؤسس شرکت سوئدی ایکیا که در سال ۲۰۱۸



اینگوار کامپراد، مؤسس شرکت سوئدی ایکیا

از دنیا رفت، از تجملات متنفر بود و حتی لباس‌های خود را از حراجی‌ها و مغازه‌های دست‌دوم فروشی می‌خرید و بخش عمده‌ای از ثروتش را بابت کمک به نیازمندان صرف می‌کرد.

ساده‌زیستی می‌تواند منبع تولید و اشتغال هم باشد. عباس برزگر، یک کارگر ساده ایرانی از اهالی روستای بزم در نزدیکی بوانات فارس است. زندگی‌اش در آن شب بارانی عوض شد که دو گردشگر موتورسوار آلمانی در راه ماندند و به خانه او پناه بردند. عباس به همراه خانواده‌اش تلاش کرد تا از مهمانان خارجی به‌خوبی پذیرایی کند.

اگر چه کلبه آن‌ها محقر بود و به‌جز چای آتشی، دم‌پختک گوجه فرنگی و ماست محلی چیز دیگری نداشتند، اما سادگی پذیرایی خانواده برزگر و زندگی یک‌روزه در آن روستای خوش آب و هوا، چنان به مذاق آلمانی‌ها خوش آمد که سه ماه بعد یک گروه هفت‌نفره آلمانی به پیشنهاد دوستانشان، طی سفر به ایران به خانه عباس رفتند و از او همان دم‌پختک و چای آتشی را خواستند. آقای برزگر راهنمای آن‌ها شد تا بتوانند مناطق دینی و طبیعی روستای بزم را ببینند.

مهمانان آلمانی دویست‌هزار تومان به عباس هدیه دادند که در آن زمان پول زیادی بود و او را به این فکر انداخت که بهترین راه برای کسب و کار می‌تواند پذیرایی از گردشگران در یک روستای با صفا باشد، بنابراین شروع به کار کرد.



عباس برزگر، کارآفرین برتر در صنعت گردشگری

طی ۹ سال بعدی، ۱۸ هزار گردشگر خارجی به روستای بزم آمدند و عباس هم به عنوان کارآفرین برتر در صنعت گردشگری توانست ۱۲۶ لوح سپاس بگیرد و دخل روزانه‌اش از روزی هزار تومان به درآمد میلیونی برسد؛ درآمدی که ناشی از اظهار علاقه گردشگران خارجی به تجربه زندگی ساده با خوردن دم‌پختک و چای آتشی بود!

آبان‌ماه سال جاری، فیلمی از رفتار متواضعانه یکی از فرماندهان اسبق نیروی زمینی ارتش به‌طور گسترده در فضای مجازی پخش شد که ایشان را در یک آژانس املاک نشان می‌داد. در این فیلم، سرتیپ احمد دادبین، فرمانده لشکر ۲۸ کردستان و از قهرمانان هشت‌سال دفاع مقدس که سعی دارد خانه‌ای برای خود اجاره کند، به مشاور املاک که



سر تیپ احمد دادبین از قهرمانان دفاع مقدس

می‌گوید باید خانه‌ای در شأن شما معرفی کنیم پاسخ می‌دهد: «شأن من چیست؟ من احمد بسیجی‌ام. ما دونفر بیش تر نیستیم و یک خانه کوچک می‌خواهیم.»

استقبال مردم از این کلیپ نشان داد که مردم مقدر برای مسئولان ساده‌زیست ارزش قائلند و چنین رفتاری از نظرشان مقدر تازه به‌نظر می‌رسد!

ساده‌زیستی، فضیلتی نیست که فقط نزد عرفای شناخته‌شده خودمان یا تنها لابه‌لای برگ‌های کتاب تاریخ پیدا شود. اگر چه در میان عرفای تاریخ ایران، کسانی مانند شیخ ابوالحسن خرقانی را داریم که به ساده‌زیستی مشهورند، اما این فضیلت، فارغ از زمان و مکان است. امروز در گوشه و کنار دنیا، مردان و زنان بزرگی وجود دارند که در عین برخورداری از ثروت و قدرت، سادگی را سرلوحه زندگی خود قرار داده‌اند.

چندی قبل، تصویری از بیل گیتس، مؤسس مایکروسافت، در کنار مارک زاکربرگ، مدیرعامل فیس‌بوک، با تیتیر «۱۳۸ میلیارد دلار در یک قاب» منتشر شد که نشان می‌داد این دو مرد ثروتمند، نه لباس‌ها یا کفش‌هایی با مارک معروف به تن دارند و نه ساعت رولکس بسته‌اند و نه از هیچ وسیله زینتی دیگری که نشان‌دهنده ثروتشان باشد استفاده کرده‌اند، زیرا هدف این دو، تولید ثروت است، نه نمایش آن. زاکربرگ، هر روز یک تی‌شرت خاکستری ارزان قیمت با شلوار جین آبی می‌پوشد، همان‌طور که ماستیو جابز، یکی از مؤسسان شرکت اپل را همواره با لباس یقه‌اسکی سیاه و شلوار جین آبی‌اش به یاد می‌آوریم.



بیل گیتس در کنار مارک زاکربرگ

زاکربرگ در پاسخ به پرسش دیگران درباره راز پوشیدن لباس‌های تکراری گفته‌است: انتخاب، کار سختی است و من انرژی ذهنی‌ام را برای تصمیمات مهم‌تر صرف می‌کنم. نمی‌خواهم وقتی تا حتی به اندازه فکر کردن برای انتخاب لباس از دست بدهم! خیلی خوش‌شانس هستم که فرصت دارم تا هر روز که از خواب بلند می‌شوم به بیش از یک میلیارد نفر خدمت کنم و احساس می‌کنم اگر بخشی از انرژی‌ام را روی چیزهای بی‌هوده و احمقانه صرف کنم از مسئولیت واقعی‌ام دور شده‌ام.

در این رابطه شاید بد نباشد که به نتایج یک تحقیق جالب اشاره کنیم. محققان در طول ده ماه ۱۱۲ مورد حکم قضایی را بررسی کردند که در آن‌ها جمعی از قضات تصمیم می‌گرفتند آیا یک مجرم می‌تواند بنابر عفو مشروط آزاد شود یا خیر.

شاید فکر کنید که قاضی‌ها صرفاً بنابه دلایلی مانند نوع جرم و قانون‌شکنی تصمیم می‌گرفتند اما این‌طور نبود. عوامل جانبی دیگری هم روی تصمیم‌گیری‌های قضات تأثیر می‌گذاشت.

یکی از این عوامل آن بود که قاضی در چه وقتی از روز تصمیم می‌گرفت. اوایل صبح قاضی‌ها به احتمال ۶۵ درصد حکم آزادسازی می‌دادند. هر چه زمان به ظهر نزدیک‌تر می‌شد احتمال صدور حکم آزادسازی کمتر می‌شد تا جایی که در اوقاتی





## ساده‌زیستی ارزش است

گفتگو با مهندس سید مرتضی نبوی

«سیدمرتضی نبوی» متولد ۱۳۲۶ در قزوین، مدیر مسئول سابق روزنامه رسالت، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین است.

وی در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ در دولت اول میر حسین موسوی، وزیر پست، تلگراف و تلفن بود. در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم تهران شد و پس از آن به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمد. نبوی همچنین در زمان شاه فعالیت‌های سیاسی داشت و مدتی را در زندان‌های حکومت پهلوی به‌سر برد.

همه کسانی که سیدمرتضی نبوی را می‌شناسند، از ساده‌زیستی او مثال می‌زنند. او تا زمانی که نماینده بود با موتورسیلک شخصی خود به مجلس می‌رفت. پس از یک حادثه رانندگی، پیکان‌سوار شد و حالا با پر اید شخصی خودش به مجمع و دفتر کار می‌رود. کارمند مخابرات بود و حقوق کارمندی می‌گرفت و از زمانی که به مجمع رفت، حقوق مجمع را می‌گیرد. منزل قدیمی او که میراث پدری است در منیریه، یکی از محله‌های اصیل جنوب تهران قرار دارد. نبوی می‌پذیرد تا در دفتر کار مرتب و ساده‌ای در مرکز تهران، گفتگویی کوتاه در مورد ساده‌زیستی با او داشته باشیم.

**دوری از ساده‌زیستی در میان مسئولان اجرایی، عامل بی‌اعتمادی مردم به نظام شده است. در دورانی که شما مسئولیت اجرایی داشتید اوضاع چگونه بود، آیا میل به اشرافی‌گری تا این حد وجود داشت؟**

قبل از انقلاب، شعارهای بزرگان انقلاب، برگرفته از الگوی حکومتی حضرت علی(ع) بود و نوید برقراری حکومتی عادل شبیه حکومت حضرت علی را می‌داد؛ شعاری که مورد حمایت مردم بود و اساسا به‌خاطر ایجاد همین تغییرات، انقلاب شد. طبیعتا بعد از انقلاب، تلاش‌ها نیز بر اساس همین الگو و همین شعار انجام می‌گرفت و جو آن دوره نیز به گونه‌ای بود که کسی به مال اندوزی و ثروت فکر نمی‌کرد.

حضرت امام، خود نمونه‌ای برای این موضوع بودند و همین نوع نگاه در میان مسئولان هم وجود داشت. نمونه دیگر، شهید رجایی بود، کسی که به سختی درس خوانده و تلاش کرده، دانش‌سرا را پشت سر گذاشته و معلم شده بود. در همان روزگار، آقای بنی‌صدر به ایشان کفیل آموزش و پرورش می‌گفت. حاضر نبود وزیر بگویی، شاید این عنوانی که بنی‌صدر به او داد، به‌دلیل نوع زندگی و ساده‌زیستی او بود.

من این امکان را داشتم که با شهید رجایی از خیلی سال پیش از مسئولیت وی آشنا شوم. او معلم ریاضی سال آخر ما در دبیرستانی در قزوین بود و از همان دوره ایشان را می‌شناختم. بعدها که وزیر آموزش و پرورش شد، بعدتر که نخست‌وزیر و بعد از آن که رییس‌جمهور شد، در ظاهر و در روحیه او هیچ گونه تغییری دیده نمی‌شد.

رجایی در همان خانه میدان بهارستان زندگی کرد که الان موزه شده و تا روزی که به شهادت رسید، در هر سمتی بود، شرایط زندگی‌اش تفاوتی نکرد. از آن جایی که رفت و آمد خانوادگی داشتیم و در دوره وزارت نیز از نزدیک با او برخورد داشتیم، می‌توانم بگویم نه فقط ظاهر ساده، بلکه رفتار و روحیه او نیز تغییری نکرد. ساده و صمیمی و دوست‌داشتنی بود.

در آن دوره این نوع نگاه به مال‌اندوزی و ثروت حتی از ذهن مسئولان نیز نمی‌گذشت. یعنی حتی کسی به این موضوع فکر نمی‌کرد که از امکانات، از رانته‌ها و از موقعیت برای خودش یا خانوادهاش استفاده کند. بعد از آن و در دوران جنگ این موضوع جدی‌تر هم شد. شرایط کشور خاص بود و باتوجه به موضوعات جدی و مهمی که وجود داشت، شرایط طوری نبود که از مسئولان کسی بخواهد به ثروت‌اندوزی فکر کند. در واقع ساده‌زیستی و داشتن زندگی شبيه طبقات متوسط به پایین، یک موضوع جاافتاده بود.

در سال‌های نخست انقلاب، به همین دلایل بود که مردم به مسئولان اعتماد داشتند، چون آن‌ها را از خود می‌دانستند. شهید رجایی در گفتار و رفتار به گونه‌ای بود که در دل همه می‌نشست. این نوع رفتار مسئولان درواقع سرمایه اجتماعی بود و بعد زمانی که گرایش به زندگی‌های مرفه در میان مسئولان شکل گرفت، از این سرمایه اجتماعی کاسته شد.

بد نیست این‌جا خاطره‌ای از شهید رجایی ذکر کنم. همان‌طور که گفتم ایشان دبیر ما در دبیرستان بودند. بعدها هم از طریق همسر با خانواده ایشان رفت و آمد داشتیم. یک شب سرد زمستان بعد از آزادی ایشان از زندان، به منزلشان رفتم؛ همین منزلی که حالا موزه شده است. شاید باورش برای نسل جدید سخت باشد، اما رجایی در منزل هیچ وسیله‌ای برای گرمایش نداشت. یک پتوی مندرس آورد و آن را روی پای من انداخت تا سرد نشود.

**چه اتفاقی افتاد که مسئولانی که با شعارهای انقلابی و ساده‌زیستی به مصادر حکومتی رسیدند، راه دیگری در پیش گرفتند؟ آیا ارزش‌ها تغییر پیدا کرد؟**

اصولا در کشورهایی که منابعی مثل نفت دارند، دست دولت‌ها همیشه پر است و دولت‌ها ثروتمند هستند. بعد از جنگ و با آرام شدن اوضاع، کم‌کم برای برخی این سؤال پیش آمد که چرا از امکانات زیادی که وجود دارد استفاده نکنیم؟ چرا خانواده ما نباید استفاده کند؟ در این دوره رانته‌هایی نیز شکل گرفت. مثلا خودروی سواری به قیمت دولتی ۹۰ هزار تومان بود و در بازار آزاد، یک میلیون تومان. برخی از همین رانته دولتی استفاده کردند و میلیونر شدند. این رانته‌ها ادامه پیدا کرد و شرایط عوض شد.

به نظر از ارزش‌ها تغییر نکرده است. همین حالا وقتی شما در مورد ساده‌زیستی مطلب می‌نویسید یعنی این یک ارزش است که مورد توجه رسانه واقع شده است. وقتی جامعه به مسئولی که ساده‌زیست است احترام می‌گذارد، نشان می‌دهد که ساده‌زیستی ارزش است. این نگاه از ارزش‌های دینی و فرهنگی ما سرچشمه گرفته است و ریشه در باورهای جامعه دارد. ریشه در باور ما به حکومت حضرت علی(ع) و عدل ایشان دارد.

**برای جلوگیری از فساد و اشرافی‌گری و در واقع برای بازسازی اعتماد عمومی، چگونه می‌توان عمل کرد؟ چه راهکار قانونی در این مورد وجود دارد؟**

در ایران از ابتدای دهه ۸۰، یعنی ۲۰ سال پیش، قرار بر ایجاد و تثبیت دولت الکترونیک شده است. همه زیرساخت‌ها و همه ابزار مورد نیاز آن در کشور وجود دارد. اما در بدنه نظام، در عمل اجازه تثبیت دولت الکترونیک داده نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های دولت الکترونیک، شفاف‌سازی است. شفاف‌سازی می‌تواند عاملی باشد تا جلوی رانته‌خواری و سوءاستفاده شخصی از قدرت گرفته شود. به‌نظرم همین‌هایی که در بدنه، رانته خواری می‌کنند عاملی هستند تا ساختار اداری و بوروکراتیک کشور الکترونیک نشود و شفاف‌سازی صورت نگیرد.



عنوان: تقاضای اصلاحات

اگر سیستم بوروکراتیک، درست و همه مرادفات در برابر چشم مردم باشد، امکان سوءاستفاده کم می‌شود. الان شبکه‌های مجازی کم و بیش این نقش را ایفا می‌کنند، کوچک‌ترین سوءاستفاده از جایگاه، در این شبکه‌ها منتشر می‌شود و باعث شده تا بسیاری از ایرادات دیده شود. البته این شبکه‌ها هم در برخی موارد توسط افراد و قدرت‌ها اداره می‌شوند و فضا سازی صورت می‌گیرد، برای همین لازم است که سیستم بوروکراتیک و اداری ما به قدری شفاف باشد که هم اگر کسی از قدرت سوءاستفاده کرد، در آن دیده شود و هم از آن سو، اگر افرادی مغرض قصد فضا سازی داشته باشند، نتوانند به دروغ، کاری از پیش ببرند.

در بسیاری از کشورها همین ساختار وجود دارد و همه چیز شفاف است. مثلا وزیر خارجه آمریکا قبل از ورود به وزارت، همه دارایی‌های خود را ثبت می‌کند و پس از خروج از مسئولیت نیز همه آن‌ها دوباره محاسبه می‌شوند. اگر رشد نامتعارفی در آن دیده شود، حتما به چشم می‌آید و مطابق قانون عمل می‌شود، یعنی ممکن است فرد مسئول، مجرم شناخته شود. ما این ظرفیت را در قانون اساسی خود داریم. مسئولان رده‌بالای کشور موظف به ثبت دارایی‌های خود هستند، اما این قوانین به‌شکل دقیق اجرایی نشده‌اند.

البته کارهایی در این زمینه شده، ولی هنوز به ایده‌آل نرسیده است. وقتی سیستم شفاف باشد، فردی که وارد دولت و مدیریت اجرایی می‌شود، باید همان ابتدا دندان طمع خود را بکشد، چرا که می‌داند نمی‌تواند برای خود و هم‌قطارانش مسیری ایجاد کند که در راستای منافع شخصی یا گروهی باشد.

موضوع دوم برای جلوگیری از فساد و سوءاستفاده، اعتقادات و دیدگاه‌های فردی است. در ابتدای انقلاب، همه مردم و مسئولان، الگوی جامعه اسلامی را در ذهن خود داشتند. برای همین نگاهشان به زندگی حضرت علی و ساده‌زیستی ایشان بود و همین هم عامل اعتماد میان نظام و جامعه می‌شد.

در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ که من عضو هیأت دولت بودم، به‌طور مرتب از آیت‌الله جوادی آملی دعوت می‌کردیم تا برایمان کلاس اخلاق برگزار کند. تذکر و یادآوری مسائل اخلاقی می‌تواند انسان را از اشتباهات دور نگه دارد، ولی متأسفانه در همان دولت هم بعضی از مسئولان، به بهانه این که کار داریم در کلاس اخلاق شرکت نمی‌کردند. در دیگر سو، مراقبه از توصیه‌های دینی ماست. مراقبه یعنی این که ما همیشه از خودمان و اعتقاداتمان مراقبت کنیم. یکی از راهکارهایی که برای جلوگیری از ورود مسئولان به حوزه ثروت‌اندوزی وجود دارد، توجه به اخلاق است که با مراقبت بروز پیدا می‌کند.

آیت‌الله «علی احمدی میانه‌چی» از جمله مجتهدانی بود که زی طلبگی داشت. با این که مجتهد مسلم بود و جایگاه و اعتبار علمی بالایی داشت، همیشه مثل طلبه‌ها زندگی می‌کرد. در مراسمی که مردم عادی برگزار می‌کردند و از او دعوت می‌شد، حضور می‌یافت. ایشان یک فتوای کلیدی دارد که می‌گوید «ساده‌زیستی برای روحانیون و مسئولان جمهوری اسلامی واجب است». در واقع فتوای ایشان که حکمی فقهی است، برای ایجاد همین اعتماد عمومی است، برای خدشه‌دار نشدن آن.

اگر در دهه‌های پیشین، اعتماد میان مردم و مسئولان وجود داشت به دلیل همین رویکرد بود. همین حالا مسئولانی که شبیه مردم زندگی می‌کنند، مورد اعتماد جامعه هستند. مردم، مقام معظم رهبری را از خود می‌دانند، چون زندگی ساده ایشان را دیده‌اند. سردار قاسم سلیمانی را از صف خود می‌دانستند که آن گونه در مراسم او حضور یافتند، چرا که زندگی او را دیدند که با زندگی مردم عادی فرقی نداشت.

**آیا ساده‌زیستی یک توصیه اجتماعی است و تأثیر جمعی دارد؟**  
حتی اگر نخواهیم ساده‌زیستی را برای همه جامعه تجویز کنیم، ولی برای مسئولان باید این تجویز صورت بگیرد. در قرآن، حضرت محمد(ص) به عنوان «اسوه حسنه» معرفی شده است و ما برای رسیدن به جامعه‌ای با الگوی اسلامی لازم است به زندگی پیامبر و حضرت علی توجه کنیم.

حضرت امام(ره) نیز خطاب به مسئولان فرمودند: «سرچشمه همه مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان - به اصطلاح خودشان - باشد.»

دستورات دینی ما بر مبنای ساده‌زیستی است و این مهم به همه مسئولان توصیه شده است. ممکن است روزی برسد که همه مردم تا حد زیادی وضعیت مناسبی داشته باشند و شاید به نظر برسد که نیازی به ساده‌زیستی نباشد. اما در این صورت نیز احکام و اصول دینی ما می‌گوید که باید از اسراف خودداری کنیم. کسی که خانه و زندگی و رفاه معتدلی دارد مازاد ثروت خود را به دیگرانی که ندارند بدهد. در این صورت جامعه، جامعه‌ای بی‌حق و کینه می‌شود، حسادت زوده می‌شود و بسیاری از مشکلات از میان می‌رود. به عبارت امروزی سرمایه اجتماعی ایجاد می‌شود و این تأثیر اجتماعی ساده‌زیستی است.

**آقای نبوی، حالاً می‌خواهیم به خود شما ایراد بگیریم! مسئولان و افرادی که فارغ از ماجرای اشرافی‌گری هستند و زندگی ساده‌ای دارند، عموماً به دلایل مختلف از قبول مسئولیت‌های اجرایی جدید سرباز می‌زنند، آیا همین یکی از عوامل پر و بال گرفتن کسانی نیست که به ساده‌زیستی و اخلاق اسلامی تعهد ندارند؟**

اگر منظور تان شخص بنده هستم، من سال‌ها وزارت و بعد در مجلس شورای اسلامی خدمت کردم. بعد از آن هم در مجمع مشغولم و اصولاً برای افرادی مثل من که سن بالاتری دارند، مشاغل اجرایی مناسب نیست، همین کارهای تحقیقاتی و مشاوره و استفاده از تجربیات مهم‌تر است.

اما به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. موضوعی که امروز با آن درگیر هستیم و تبعات آن را می‌بینیم، عدم حضور افراد متعهد به اخلاق در مدیریت‌های اجرایی است. اما این‌طور نیست که افرادی با چنین ویژگی‌های اخلاقی کم هستند یا از مسئولیت سرباز می‌زنند. بدنه و ساختار نادرستی که شکل گرفته، اجازه ورود و انجام فعالیت به افراد سالم را نمی‌دهد. اگر فردی سالم وارد مدیریت اجرایی شود، همین بدنه مقاومت می‌کند، چون او را در برابر منافع خود و مانع سوءاستفاده می‌بیند. برای مدیری که سالم است اصطلاحاً «می‌زند» و اجازه فعالیت به او نمی‌دهند.

بالاتر اشاره کردم که بخش‌هایی از ساختار بوروکراتیک کشور با به تثبیت رسیدن دولت الکترونیک مخالف است و در برابر آن مقاومت می‌کند. چون اگر همه مرادفات بر اساس ساختار مشخص و شفاف صورت گیرد، راه بر سوءاستفاده‌های شخصی بسته می‌شود.

همین مقاومت در برابر مدیر اجرایی سالم نیز وجود دارد و عملاً در برخی از بخش‌ها، اگر مدیر سالم باشد، اجازه فعالیت به او داده نمی‌شود.





## ساده‌زیستی، انتخاب مدرن



حمیده افلاطونی

**با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی و کاربست گسترده آن‌ها در راستای تسهیل زندگی، آیا ساده‌زیستی به معنای عدم استفاده از تکنولوژی و ریاضت کشیدن و سخت زندگی کردن است؟**

خیر، اصلاً این‌طور نیست. ساده‌زیستی به معنای محروم کردن خود از زندگی و امکانات آن نیست، بلکه به معنای بهره‌مندی درست از امکانات زندگی است.

اگر کسی بخواهد ساده‌زیست باشد، به این معنی نیست که از گوشی لمسی یا سایر تکنولوژی‌ها استفاده نکند. در واقع اگر کسی به این نتیجه برسد که باید یک گوشی خوب و باکیفیت داشته باشد که لمسی باشد، دوربین آن بتواند عکس با کیفیت بگیرد، تصویرش شفاف باشد و غیره، می‌تواند یک گوشی کارآمد بگیرد و تا زمانی که کار می‌کند، از آن استفاده کند. این منافاتی با ساده‌زیستی ندارد. اما اگر یک گوشی خوب گرفت و دو ماه دیگر دید که گوشی جدیدتر، زیباتر و ظرفیت‌تری آمده و خواست گوشی خود را عوض کند و دو ماه بعد و دو ماه بعد و... از ساده‌زیستی دور شده است. بنابراین ساده‌زیستی به هیچ‌وجه به معنای پرهیز از تکنولوژی و امکانات آن نیست؛ بلکه به معنای استفاده دقیق و بهینه از همین امکانات تکنولوژیک و زیستن در همین دنیای مدرن است.

**با توجه به تغییراتی که در الگوهای اقتصادی و سبک زندگی انسان ایجاد شده، چه تغییراتی را در مفهوم ساده‌زیستی شاهدیم؟ مثلاً در گذشته داشتن اتومبیل یا تلفن همراه، بخشی از زندگی لاکچری بود، ولی امروز جزو ضروریات زندگی است.**

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ساده‌زیستی به معنای این است که ما آگاهانه و خودخواسته، امکانات و انتخاب‌هایمان را محدود کنیم تا بتوانیم مدیریت بهتری بر زندگی خود داشته باشیم. این محدود کردن انتخاب، در گذشته به شکلی بوده و امروزه به شکل دیگری است. در گذشته محدود کردن انتخاب، مستلزم این بود که اچانا انسان اگر می‌خواست اسبی بخرد، یک اسب خیلی معمولی بخرد. امروز همین اسب، ماشین است. تجملات همیشه وجود داشته‌اند. تجمل، زمانی است که ما خواسته‌هایمان را با نیازهایمان یکی می‌گیریم، حال آن‌که نیاز یعنی چیزی که بدون آن زندگی‌مان خوب پیش نمی‌رود یا اصلاً پیش نمی‌رود. ساده‌زیستی در همه ادوار تاریخی، شکل ثابت و یگانه‌ای نداشته است؛ امروزه داشتن تلفن همراه ممکن است جزو ضروریات زندگی محسوب شود ولی داشتن یک گوشی که بهترین برند و آخرین نمونه در بازار باشد، ضرورت زندگی نیست و همچنان لاکچری محسوب می‌شود.

**ساده‌زیست بودن مردم می‌تواند در جوامع فقیر در راستای تأمین منافع دولت‌ها باشد و در جوامع توسعه‌یافته مصرف‌گرا، منافع دولت‌ها را به خطر بیندازد. آیا این نشان نمی‌دهد که ساده‌زیستی امری نسبی است و آموزش و ترویج آن ضرورتی ندارد؟**

ساده‌زیستی در جوامع فقیر، لزوماً

در راستای تأمین منافع دولت‌ها نیست، ساده‌زیستی یک عمل و یک رفتار انتخابی است و من با انتخابی که می‌کنم، در درجه اول زندگی خودم بهتر می‌شود.

در واقع خیلی از کارهای من ممکن است منافع دولت را به خطر بیندازند، نه فقط ساده‌زیست بودن.

ادامه در صفحه ۵

**آیا این که در شرایط اقتصادی بد، صرفه‌جویی کنیم، فضیلت اخلاقی ساده‌زیستی محسوب می‌شود؟ صرفه‌جویی به خاطر شرایط مالی بد، چه تفاوتی با فضیلت اخلاقی ساده‌زیستی دارد؟**

در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که اصولاً فضیلت هنگامی حاصل می‌شود که انسان دست به انتخاب بزند و قدرت انتخاب داشته باشد. عمل اخلاقی، عملی است که انسان آزادانه آن را انجام دهد، در نتیجه این که من از سر ضرورت و ناچاری ساده‌زیست بشوم، فضیلت محسوب نمی‌شود، زیرا من در موقعیتی هستم که راه دیگری جز ساده‌زیستی ندارم. اگر دستم نرسد خرج کنم و خرج نکنم، این از سر درماندگی و اضطراب است. فضیلت هنگامی است که من بتوانم بین یک زندگی ساده و یک زندگی پر تجمل انتخاب کنم، یعنی بتوانم زندگی مجللی داشته باشم ولی ساده‌زیستی را ترجیح بدهم. بنابراین لزوماً و قطعاً مانند هر فعل اخلاقی دیگری، ساده‌زیستی مشروط به انتخاب شخصی است و انتخاب شخصی زمانی است که انسان دست‌کم دو گزینه فراوری خودش داشته باشد و نه از سر اضطراب و نیاز مالی، بلکه از سر انتخاب به این سبک از زندگی رو بیاورد.

**آیا ما برای اخلاق مدار بودن، وظیفه داریم ساده‌زیست باشیم و باید آن را ترویج کنیم یا این فضیلت، صرفاً مخصوص افرادی است که خواستار رسیدن به حد‌اعلی اخلاق مداری هستند؟**

به هر حال ساده‌زیستی یک فضیلت اخلاقی است و اگر کسی بخواهد همه فضیلت‌ها را در خودش داشته باشد، طبیعتاً ساده‌زیستی را هم شامل می‌شود، ولی می‌توانیم بگوییم که ساده‌زیستی نسبت به سایر فضیلت‌ها، بلندمرتبه‌تر است. در عین حال، این فضیلت، به‌ویژه در جهان امروز، می‌تواند برای کسب فضیلت‌های دیگر بسیار مفید باشد. در نتیجه، ساده‌زیستی یک فضیلت همگانی است و این‌طور نیست که اختصاص به آدم‌های خاصی داشته باشد، بلکه متعلق به همه انسان‌هاست. این فضیلت متعلق به نجبگان نیست؛

انسان در زیست تاریخی خود تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. انقلاب صنعتی، تا حد زیادی انسان را از اخلاق و حساسیت‌های اخلاقی دور کرد ولی خوشبختانه در قرن بیستم، یک بار دیگر مباحث اخلاقی به صدر دغدغه‌های انسانی راه یافتند. اخلاقی زیستن به معنی پیگیری یک زیست روحانی نیست بلکه تمامی جنبه‌های زندگی را دربر می‌گیرد. یکی از مسائل اخلاقی، بررسی الگوی مصرف ماست. پرسش اصلی در این مقوله آن است که در دنیایی با منابع محدود و تبلیغات فراوان برای مصرف بیش‌تر، الگوی مصرف و سبک زندگی درست و اخلاقی کدام است؟

الگوی مصرف و سبک زندگی دو بعد دارد: اول این که با وجود منابع محدود، لازم است سبکی از زندگی را برگزینیم که در آن به برآورده کردن مایحتاج ضروری اکتفا کنیم. مثلاً وقتی من یک لپ‌تاپ خوب دارم که با آن می‌توانم همه کارهایم را به‌خوبی انجام دهم، چه ضرورتی دارد تازه‌ترین لپ‌تاپ موجود در بازار را دوباره خریداری کنم؟

بعد دیگر مصرف اخلاقی، حساسیت نسبت به روند تولید کالاهاست؛ به این ترتیب که از خرید کالاهایی که به‌نحوی فرایند تولید غیر اخلاقی دارند، مثل گوشت صنعتی که بازپر یا گذاشتن حقوق حیوانات و نگهداری و پرورش آن‌ها در شرایط نامطلوب تولید می‌شود، اجتناب کنیم یا مصرف آن‌ها را به حداقل برسانیم.

این ملاحظات ما را به پیگیری سبکی از زندگی رهنمون می‌شوند که به ساده‌زیستی مشهور است. برای این که بدانیم ساده‌زیستی دقیقاً چیست و چه شرایط، پیامدها و مزایایی دارد، باید کتر سید حسن اسلامی، استاد فلسفه اخلاق و عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم که تألیفات هم درباره ساده‌زیستی دارند، به گفتگو نشستیم.



**ساده‌زیستی به چه معناست؟ آیا یک فضیلت اخلاقی به‌شمار می‌آید؟**

بحث از ساده‌زیستی و ساده‌زیستن ابعاد زیادی دارد و هم‌زمان دچار سوء تفاهم‌هایی است. قبل از این که بگوییم ساده‌زیستی به چه معناست، باید تأکید کنیم ساده‌زیستی به چه معنا نیست؟ ساده‌زیستی به معنای سختی دادن به خود، رنج دادن به خود و خوشتن را از نعمت‌هایی بهره کردن نیست؛ اتفاقاً برعکس، منطق ساده‌زیستی، منطق استفاده و بهره‌مندی دقیق و کافی از زندگی است و در واقع ساده‌زیستی یکی از ابزارهایی است که ما بتوانیم عمیق‌تر، دقیق‌تر و جامع‌تر از زندگی خود لذت ببریم. بنابراین ساده‌زیستی به معنای رنج کشیدن و محروم کردن خوشتن و روزه‌داری مدام و مانند آن‌ها نیست، بلکه اگر می‌خواهیم ساده‌زیست باشیم، باید به منابع زندگی و امکاناتی که در اختیار داریم نگاه درستی داشته باشیم و از آن‌ها درست استفاده کنیم.

تعریف ایجابی ساده‌زیستی این است که انسان بکوشد نیازهایش را از خواسته‌هایش تفکیک کند و نیازها را به‌شکل معقول‌تر و کم‌هزینه‌تری برآورده کند. اگر من برای جابه‌جایی، نیازمند یک وسیله نقلیه شخصی ایمن، مرتب، کم‌خرج و قابل اعتماد باشم، گزینه‌های متعددی در اختیار دارم. یکی از گزینه‌ها این است که با پنج سال پس‌انداز، می‌توانم وسیله نقلیه مورد نیازم را تهیه کنم. گزینه دوم مستلزم آن است که با ۱۵ سال پس‌انداز، وسیله نقلیه مورد نیاز خود را تأمین کنم. ساده‌زیستی یعنی من سراغ گزینه نخست بروم نه گزینه دوم.

ساده‌زیستن به معنای این است که ما بکوشیم تا جایی که ممکن است پیرامون خود را خلوت کنیم تا سریع‌تر به مقصودمان برسیم.

در پاسخ به قسمت دوم پرسش که آیا ساده‌زیستی یک فضیلت است، باید گفت بله ساده‌زیستی می‌تواند فضیلت باشد، به این معنا که وسیله‌ای برای رسیدن به زندگی خوب است.

اصولاً اگر فضیلت‌ها را منش‌هایی بدانیم که زندگی خوب را با بیش‌ترین ضریب اطمینان تأمین می‌کنند، قطعاً ساده‌زیستی، راه و منش خوبی است برای این که این زندگی خوب را تأمین کند. به‌طور طبیعی، کسی که ساده‌زیست است، کمتر نگرانی مالی دارد، کمتر نگرانی روحی دارد، کمتر حس رقابت دارد و کمتر حس تنش را تجربه می‌کند و همه این‌ها کمک می‌کنند فرد به زندگی خوب نزدیک شود.







## بقیه از صفحه ۴

اگر مردم جامعه‌ای تصمیم بگیرند که سیگار نکشند، بعد از مدتی شرکت دخانیات دچار مشکل می‌شود و یکی از منابع درآمد دولت که از طریق همین دخانیات و تنباکو و سیگار است، قطع می‌شود. ممکن است رفتار درست من، منافع دولت را با خطر مواجه کند و ممکن است این‌طور نشود؛ من در درجه اول باید بینم رفتارم بر خودم چه تأثیری دارد. نقطه عزیمت اخلاقی این است که خود انسان می‌خواهد چه کاری انجام دهد.

در کتاب «سنگرش هر خیابان از طلاست»، رئیس سابق شرکت «دوو» نوشته است: «با این که دولت ژاپن، دولتی ثروتمند و غنی است، ولی مدیران ژاپنی زندگی بسیار ساده‌ای دارند.» حضرت امیرالمومنین (ع) یک زندگی ساده‌یستانه معروف داشتند ولی تولید می‌کردند، کشاورزی می‌کردند، فعالیت اقتصادی داشتند و جامعه را غنی می‌کردند. در حال حاضر در جوامع توسعه‌یافته وضع همین‌طور است؛ درست است که در این جوامع مصرف‌گرا، ترویج می‌کنند که آدم‌ها مصرف خود را بالا ببرند ولی همه این‌ها به کنار، ساده‌یستی یک امر و یک فضیلت جهانی و تاریخی است و در طول تاریخ و در همه جا بوده، پس به این معنا نسبی نیست. اگر بگویید که شکل یا جلوه یا درصدی از ساده‌یستی نسبی است، بله این ممکن است اما خود ساده‌یستی به مثابه یک فضیلت، یک فضیلت حیاتی به‌شمار می‌رود.

البته ترویج ساده‌یستی به این منظور که به مردم بگوییم به وضع موجود راضی باشید، دنبال تجمل نباشید و با همین زندگی و همین که دارید بسازید، نوعی فریب کاری است که خودش غیر اخلاقی است. تأکید می‌کنم ساده‌یستی هنگامی اخلاقی است که شخص بتواند با تجمل زندگی کند اما تشخیص بدهد و انتخاب کند که ساده‌یست باشد.

## پیامدهای ساده‌یست بودن برای فرد در سطح خرد و برای جامعه در سطح کلان کدامند؟

اصولا اخلاقی زیستن به نحوی و به میزانی انسان را از محیط خودش متمایز می‌کند و این تمایز باعث می‌شود که گاهی حتی مورد حمله قرار بگیرد، چون هرچه انسان اخلاقی‌تر باشد، در واقع، زیست بد و نادرست دیگران را آشکارتر و تفاوت‌هایی که وجود دارند را برجسته‌تر می‌کند و این باعث می‌شود که دیگران احساس ناراضی و ناراحتی کنند. در نتیجه سعی می‌کنند این آدم را با برچسب زدن و تعبیری مثل «درست زندگی کن»، «از نعمت‌ها بایداستفاده کرد» و غیره، به سطح خودشان بکشانند و لذا به‌طور طبیعی، اخلاقی زیستن یک کار سخت است. به‌ویژه در جامعه‌ای که مصرف‌گرایی رواج پیدا کرده و تمامی کانال‌های ارتباطی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها در حال ترویج مصرف‌گرایی هستند، تلاش برای ساده‌یست بودن، به‌نحوی گریز از شرایط موجود و تن ندادن به وضع موجود است اما به‌هیچ‌وجه فرد را از فضائل اجتماعی دور نمی‌کند. آدم ساده‌یست اتفاقاً آدم راحتی است. درحالی که فرد اهل تجمل، معتقد است فقط در رستوران خاصی باید غذا خورد و هر غذایی را نباید خورد، فرد ساده‌یست، به حداقل‌ها اکتفا می‌کند و این حداقل‌ها همه جا فراهم می‌شوند. یعنی اگر به یک قهوه‌خانه بروم می‌تواند با نان و پنیر بسازد و اگر به یک رستوران خیلی شیک هم بروم می‌تواند با یک پیترزای سبزیجات بسازد و هیچ وصله ناجوری نمی‌شود. وصله ناجور زمانی است که انسان خودش را آماج و سیل کند، عامدانه و آگاهانه بخواهد بگوید من با شما متفاوتم و از شما فاصله گرفته‌ام و یک‌جوری خودنمایی کند.

آدم ساده‌یست در مجموع بهتر می‌تواند با دیگران کنار بیاید؛ چون هزینه‌اش کمتر است، فقط باید از مواجهه صریح و مستقیم با کار و رفتار دیگران خودداری کند و سعی کند الگوهای رفتاری خوبی داشته باشد که باعث شود دیگران جذبش شوند، نه این که از او فاصله بگیرند.

## اهمیت ساده‌یستی در اعتلای شخصیت اخلاقی افراد چیست؟

ساده‌یستی منافع بسیار دارد. در سطح شخصی، پیامدش این است که انسان وقت بیش‌تری به‌دست می‌آورد. صدسال پیش مردم در آمریکا فکر می‌کردند اگر صنعت پیشرفت کند و ماشین لباس‌شویی و ظرف‌شویی و اتو و امکانات رفاهی و اجتماعی دیگر داشته باشند، در آینده میزان کار خانواده‌ها و مردم کاهش می‌یابد و کمتر کار می‌کنند و زمان بیش‌تری خواهند داشت ولی هرچه جامعه تکنولوژیک‌تر می‌شود، مردم بیشتر کار می‌کنند.

آمارها نشان می‌دهند اوقات فراغت یک آمریکایی در حال حاضر با اوقات فراغت یک آمریکایی در ۵۰ سال گذشته فرقی نکرده است. سطح درآمدشان بیش‌تر شده، تجمعات هم بیش‌تر شده، اما اوقات فراغت کمتر شده یا در همان حد ۵۰ سال قبل مانده است. در جامعه ایرانی وضعیت بدتر است. اگر قبلاً با یک شغل گذران زندگی می‌کردند (از صبح تا ساعت دو یا سه بعدازظهر کار می‌کردند)، الان دوشغله یا سه‌شغله هستند.

قسمتی از آن به‌خاطر تورم و مسائل مالی است، ولی بخشی هم به‌خاطر این است که ما تجمل‌گرا شده‌ایم و باورمان شده است که باید چیزهایی را داشته باشیم، همه ما چیزهایی را می‌خواهیم که شاید ضروری نیستند، یعنی من به سطح زندگی خودم نگاه نمی‌کنم، بلکه معتقدم اگر همسایه‌ام این امکانات را دارد، پس من هم باید داشته باشم. پس اولین چیزی که ساده‌یستی به ما می‌دهد، وقت است که سرمایه بزرگی است.

دومین منفعت ساده‌یستی این است که قدر داشته‌هایمان را می‌دانیم. زندگی اغلب ما همراه با احساس ناراضی و رنج است؛ انگار کلاه سرمان رفته و از امکانات کافی زندگی برخوردار نیستیم و همیشه در حال کوشش و تلاش هستیم ولی به جایی نمی‌رسیم. ما آرامش خاطر را از کف داده‌ایم. حال آن که از طریق ساده‌یستی می‌آموزیم تا قدردان نعمت‌ها و داشته‌هایمان باشیم و این قدردانی و سپاسگذاری و حس رضایت باعث می‌شود آرامش درونی پیدا کنیم. کارکرد و خاصیت دیگر ساده‌یستی این است که به ما فرصت می‌دهد تا بیش‌تر به زندگی معنوی خود توجه کنیم؛ به تعبیر مولانا «جان‌همه‌روز از لگد کوب خیال/وز زبانی و سودوز خوف زوال/نی صفا می‌ماندش نی لطف و فر/نی به سوی آسمان راه سفر». ما آن قدر درگیر روزمرگی و مسائل جزئی زندگی شده‌ایم که از معنویت و درون خود و زیست معنوی غافل مانده‌ایم. همچنین ساده‌یستی به ما کمک می‌کند که بتوانیم به دیگران کمک کنیم و باری از دوش دیگران برداریم، به‌دنبال آموزش و تحصیل باشیم و بیش‌تر از زندگیمان لذت ببریم.

داستان «فرزانه خلیج» که در کتاب معروف مثبت‌گراها آمده، داستان زیبایی است. خلاصه‌اش این است که روزی یک آمریکایی برای گشت‌وگذار به مکزیک می‌رود. در آن‌جا می‌بیند که مردی مکزیک‌ای قایقش را برگردانده و در حال استراحت است. می‌پرسد چرا کار نمی‌کنی؟ مکزیک‌ی پاسخ می‌دهد صبح چند ماهی گرفتیم و چند عدد از آن‌ها را فروختم و چند عدد را خوردم و تا فردا نیاز ندارم که کار کنم. آمریکایی می‌گوید اگر بیش‌تر ماهی بگیری، می‌توانی آن ماهی‌ها را بفروشی، پولش را پس‌انداز کنی، قایق دیگری بخری و اگر با دو قایق بیش‌تر کار کنی و بیش‌تر پس‌انداز کنی می‌توانی یک کشتی بزرگ ماهی‌گیری بخری، حتی شرکت بزرگ تهیه کنسرو ماهی تأسیس کنی، شعبه‌ای از شرکت خود را در نیویورک، منطقه منهن تن تأسیس کنی، آن‌جا زندگی کنی و برای تعطیلات بیایی این‌جا و سیگار بکشی. ماهی‌گیر گفت وقتی من الان بدون این که این همه تلاش کنم، همین‌جا در حال استراحت هستم، چرا باید این همه به خودم زحمت بدهم؟!

هنگامی که ساده‌یستی در سطح فردی رواج پیدا کرد، به دولت‌ها هم کمک می‌کند. الان بخش زیادی از ارز کشور برای خرید چیزهای تجملاتی و لوکس و لاکچری از کشور خارج می‌شود؛ چیزهایی مثل کریستال لهستان، عطر و لوازم آرایش فرانسوی و سگ نمای ترکیه‌ای و ایتالیایی. درحالی که این‌ها واقعا ضروری نیستند. وقتی ساده‌یستی رواج پیدا کند، خودبسندگی و به‌دنبال آن استقلال جامعه و کشور از کشورهای دیگر افزایش پیدا می‌کند.

## آیا ساده‌یست بودن سبب می‌شود ما دست کم بخشی از مسئولیت‌هایمان نسبت به نسل‌های آینده را انجام بدهیم؟

بله، همین‌طور است. وقتی ما ساده‌یست باشیم، کمتر نعمت‌های الهی و آن‌چه منابع زمینی و زیرزمینی نامیده می‌شود را تباه می‌کنیم و آسیب کمتری به طبیعت وارد می‌کنیم و نسلی را تربیت می‌کنیم که آن‌ها نیز بتوانند به‌واسطه ساده‌یستی، بدون آسیب رساندن به طبیعت و نابود کردن منابع زمینی و زیرزمینی بهتر زندگی کنند و به آن‌ها می‌آموزیم که آرامش بیش‌تری داشته باشند و بهتر از زندگیشان لذت ببرند.

## اهمیت ساده‌یستی در بالا رفتن رضایت از زندگی چیست؟

اصولا انسان‌های ساده‌یست در مجموع به دلایل مختلف، رضایت بیش‌تری از زندگیشان دارند. اولین دلیل این است که بهتر و بیش‌تر فرصت می‌کنند از زندگی واقعا لذت ببرند. آدمی را تصور کنید که وقتی گرسنه می‌شود، فقط به دنبال این است که با غلات و گیاهان و سبزیجات خود را سیر کند. این فرد را با فردی مقایسه کنید که معتقد است برای ناهار باید حتما در یک رستوران شیک غذاهای خاصی صرف کند. نفر دوم قطعا وقت بیش‌تری برای سیر کردن شکمش صرف می‌کند. فرد ساده‌یست فرصت بیش‌تری دارد برای این که فضایل را در خودش پرورش بدهد، از زندگی لذت ببرد و مناسبات عمیقی با خودش و طبیعت و جامعه برقرار کند، کمتر نگران داشته‌هایش است، کمتر به دنبال عوض کردن لوازمش است و همه این‌ها کمک می‌کند که زندگی خوب‌تری داشته باشد. ساده‌یستی در واقع ابزار خوبی برای رسیدن به اهداف ما است.

## آن خانه گلی به یادماندنی



• کودرز گودری(مجد)

بعدازظهر بود. لودری را دیدم که به خانه پدر بزرگ نزدیک می‌شد. خورشید حالا اربب می‌تابید و وقتی بیل آهنی لودر بالا رفت و به بلندترین نقطه دیوار شمالی جنگ انداخت و دیوار گلی را زخم زد و بخشی از آن را کند و به زیر انداخت، نور خورشید در هاله‌ای از گرد و غبار فرو رفت و در چشمانم پرده نازک اشک نشست... پدر بزرگ و بی‌بی به همت و اراده پدر رفته بودند حج و پدر دوباره دست به ساختمان‌سازی زده بود. ما به محله‌ای دیگر نقل مکان کرده بودیم. وقتی پدر بزرگ و بی‌بی از حج بازگشتند، خانه جدیدشان آماده شده بود. خانه‌ای که دیگر نمی‌توانستی کوچک‌ترین نشانی از ریخت و ترکیب خانه گلی و حتی ساختمان دوطبقه را در آن ببینی. فقط تنور بی‌بی باقی مانده بود تا همچنان هر مدت یک‌بار روشن شود و محله را از عطر نان تازه انباشته کند. پدر چه خدماتی به والدین خود نکرده بود و چه مرارت‌هایی که نکشیده بود. در آجر آجر ساختمان جدید می‌توانستم بوی عرق پدرم را استشمام کنم و ضربان قلبش را بشنوم و هیجانش را ببینم...

من آن خانه گلی را دوست داشتم و دیوارهای خشتی‌اش را و در و پنجره‌های چوبی‌اش را و تیرک‌ها و پرتیرهای ایوان و اتاق‌هایش را. روزها و شب‌ها وقت درس خواندن و مشق‌نوشتن، این تیرک‌ها و پرتیرها بودند که ناخودآگاه نگاهم را به‌سوی خود می‌کشیدند و من نشسته و خوابیده، برای صدمین و هزارمین بار آن‌ها را سر صبر شمارش می‌کردم و بعضی اوقات با «حمید» و «فاطی» - برادر و خواهرم - مسابقه می‌گذاشتم؛ آگه گفتن کدوم یک از تیرها خنده‌دارتره؟ حالا بگین کدوم پرتیر از همه ترسوتره؟ اون‌ی که زرن‌گره کدومه؟

سقف اتاق و ایوان، یک‌جورهایی سینمای من بودند. تابستان که می‌شد، این سقف ایوان بود که چشم‌انداز من می‌شد. گنجشک‌ها و سهره‌ها و پرستوها هر‌جای سقف که می‌توانستند لانه درست می‌کردند و جوجه به‌دنیا می‌آوردند. گاهی می‌شد که یکی دو تا تخم از لانه‌ای می‌افتاد و بعضی وقت‌ها هم جوجه‌ای با چندتا پَر. و جوجه‌ها چه‌قدر زشت و بدترکیب بودند! با خودم ناباورانه می‌گفتم: «بزرگ که بشن مٹ پدر مادرشون خوشگل می‌شن؟» بعد از خودم می‌پرسیدم: «من آگه بزرگ شم یعنی شکل بابا بزرگ می‌شم؟ شاید هم شکل بی‌بی!» و بعد می‌دویدم توی اتاق و پابندی می‌کردم خودم را توی آینه روی تاقچه بینم.

حالا که به سقف اتاق‌ها نگاه می‌کنم، چیزی در نگاهم نمی‌نشیند جز سفیدی گچ؛ سفیدی سرد و بی‌جان. گرما و حس خوب تیرک‌ها و پرتیرها فقط در گوشه ذهنم کز کرده است و آن حیاط بزرگ خاکی و آن دروازه چوبی با آن گل‌میخ‌ها و کلون‌ها و کوبه‌هایش. نه! چیز دیگری هم هست؛ صدای گاوها و گوسفندها و بزها و زنگ زنگوله‌هاشان. صدای دوشیدن شیر و بوی خوش شیر تازه‌دوشیده تازه‌جوشیده‌شده و صدای پیر ولی نرم و محملی بی‌بی: «بخور روله تا زی‌تر گپ بویی!»\*

گاه و بی‌گاه، گذشته چنان جان و جهانم را در خود فرو می‌دهد که دریغانه آرزویش را می‌کنم. کاش می‌شد برای یک‌بار هم که شده به عقب برمی‌گشتم. کاش یک‌بار دیگر سطل خالی را به دست بی‌بی می‌دادم و او شیر می‌دوشید تا با آن پنیر و سرشیر و کره و ماست و کشک و دوغ و توف و ترخینه و قره‌قروت و چیزهای دیگر درست کند. کاش می‌شد یک‌بار دیگر دروازه نیمه‌باز چوبی را هُل می‌دادم و صدای غزاغ لولا‌های چوبی‌اش گوش جانم را نوازش می‌کرد و تک‌پله را پایین نیامده، نگاهم می‌افتاد به درخت سیب توی حیاط و سیب سرخ و سفیدی که از پشت برگ‌ها سرک می‌کشید تا مال من شود. کاش می‌شد یک‌لحظه کوتاه روی سکوهای دو طرف دروازه می‌نشستم و خستگی درمی‌کردم. کاش یک‌بار دیگر مادرم قابلمه رویی (روچی) تاس کباب را روی چراغ سه‌فیله‌اش بار می‌گذاشت. کاش می‌شد یک‌بار دیگر سرانگشت دست‌هایم را روی کاهگل زبر دیوارها می‌کشیدم و مادرم از سر مهر مادری تشر می‌زد: «مجید نکن! انگشتات زخم می‌شن!»

دلم بدجوری پرمی‌کشد برای گذشته، برای یک‌رنگی‌ها و سادگی‌ها، برای جوشش‌ها و جوشیدن‌ها، برای پشت‌بام‌های گلی بدون دیش و آنتن، برای آفتاب درخشان و شیرجه‌زدن پرستوها بر فراز خانه‌ها.

\* بخور جگر گوشه‌ام تا زودتر بزرگ بشوی!



## زندگی زیباست



عماد فرح نیا

ما هزاران سال است در این سیاره زندگی می‌کنیم اما آیا می‌توانیم تعریفی روشن یا نسبی در مورد زندگی بگوییم؟ آیا حتی می‌توانیم زندگی را در نهایت سادگی چنان توصیف کنیم که حتی اعضای یک خانواده در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند؟

نه! نه! نه! ما نمی‌توانیم، نه خواهیم توانست، چرا که در مورد مرگ هیچ چیز نمی‌دانیم و با آن که از عمر نسل‌های بشر هزاران سال می‌گذرد اما عمر هر انسان در مقایسه با جهان بسیار کوتاه است. با این وصف مهم‌ترین واقعیت هستی را برای ما مفهوم حیات رقم می‌زند؛ همین فرصتی که به طرزی غم‌انگیز و به تعبیر کامورقت‌بار کوتاه است! آیا زندگی کردن در ساده‌ترین شکل آن یعنی بهره‌مند شدن از حیات را می‌شود با هیچ گستره دیگری مقایسه کرد؟

فیلم «زندگی زیباست» با این عنوان آغاز می‌کند که زندگی زیباست و نه تنها این زیبایی را به بیننده می‌نماید بلکه آن را در تلخ‌ترین و وحشتناک‌ترین فصل تاریخ بشر یعنی جنگ دوم جهانی نشان می‌دهد تا هیچ بهانه‌ای را در ستایش برانگیز بودن زندگی باقی نگذارد.

زندگی زیباست در سال ۱۹۹۷ ساخته شد و در محافل هنری معتبر از جمله اسکار به شدت مورد استقبال قرار گرفت؛ فیلمی که با بودجه کمتر از بیست میلیون دلار ساخته شد و به فروش بسیار بالایی حدود دوازده برابر هزینه ساخت فیلم دست پیدا کرد و همان سال هم در مراسم اسکار در حالی که رقیبی مثل بچه‌های آسمان از ایران داشت، جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی را از آن خود کرد.

کارگردان اثر، روبرتو بنینی ایتالیایی است که خودش نقش اصلی فیلم (گوئی‌دو) را بازی کرده و نقش مقابلش (دورا) نیز خانم نیکولتا براشی، همسر اوست. داستان در سال ۱۹۳۹ در ایتالیای تحت سلطه فاشیسم آغاز می‌شود؛ سالی که در آن اوضاع جهان برای ابد تغییر می‌کند. ایتالیای به عنوان متحد در کنار آلمان قرار دارد و آلمان در سال ۱۹۳۹ عملاً با لهستان و سپس کل دول غربی وارد جنگ می‌شود.

در همان آغاز فیلم بیننده درمی‌یابد با یک اثر بسیار متفاوت طنز روبه‌روست. گوئی‌دو که یک یهودی ایتالیایی است به همراه دوستش سوار خودرو هستند. مردم یک روستای سرسبز ایتالیایی منتظر استقبال از یک مقام دولتی‌اند که ماشین ترمز بریده گوئی‌دو مراسم را به هرج و مرج می‌کشاند اما چند متر آن طرف‌تر، دختری زیبا بر حسب اتفاق از بالای یک آغل روی کاه و یونجه‌ها می‌افتد و این آغاز آشنایی گوئی‌دو با دورا است.

گوئی‌دو در شهر می‌چرخد و خرامان خرامان و پرانرژی خود را به دست زندگی سپرده، وارد هر مغازه و اداره‌ای که می‌شود یک بلوا یا موقعیت مفرح هم ایجاد می‌کند. پارچه‌فروش موفق و پولداری که گوئی‌دو هر وقت او را می‌بیند کلاه خودش را با کلک با او جابه‌جا می‌کند، به مصلحت دوران فاشیستی، اسم دو پسر خود را بنیتو و آدولفو گذاشته - نام کوچک موسولینی و هیتلر، رهبران ایتالیای فاشیست و آلمان نازی - و گوئی‌دو او را حسابی اذیت می‌کند و چه بالاها که بر سر عمال دولت نمی‌آورد!

گوئی‌دو پیش خدمت یک رستوران لوکس ایتالیایی است و زندگی او سرخوشانه با عشق به دورا پیوند یافته و البته هر بار که او را می‌بیند بر حسب اتفاق یا با دو چرخه او را پهن خیابان می‌کند یا موقعیتی کمیک نظیر آن اتفاق می‌افتد تا این که بالاخره به وصال دورا دست یافته و با او ازدواج می‌کند.

فیلم در عمل مثل یک کیک دو نیم شده است، نیمه اول شهد گونه و نیمه دوم کاتوئویی تلخ. نیمه نخست آن، زندگی گوئی‌دو سرخوش در ایتالیای دوران جنگ است و نیمه دوم، زمانی که زندگی روی دیگر خود را نشان می‌دهد و او دیگر صرفاً یک ایتالیایی نیست، بلکه یک جهود است در زمانه‌ای که یهودی بودن جرمی نابخشودنی در متصرفات آلمان نازی است.

در نیمه نخست، نگاه طنازانه بنینی در مقام کارگردان حضوری پررنگ دارد، مانند سکانسی که گوئی‌دو ماهی سالامون، سالاد و نوشیدنی را برای دکتری سر میز آورده که عاشق چیستان است؛ دکتری که بعدها پزشک کمپ خواهد شد. وقتی که گوئی‌دو معمایی طرح می‌کند، دکتر غرق در حل معما می‌شود و غذای او آن طرف میز در سینی قرار دارد.

همکار گوئی‌دو از او می‌پرسد آیا غذا برای یک مشتری دیگر هم داریم؟ گوئی‌دو می‌گوید آشپزخانه تعطیل شده همه رفته‌اند. همکار او می‌گوید حیف شد، انعام خوبی می‌داد و گوئی‌دو می‌گوید حالا آشپزخانه باز شد!

بازرس چاق حزب که برای بازدید از مدرسه آمده سر میز می‌نشیند و این جا یکی از موقعیت‌های طنز استعاری زیبا و هوشمندانه رقم می‌خورد. گوئی‌دو می‌گوید خوب قربان، ما استیک داریم که در روغن محلی تفت دادیم، و... اما شاید شما ماهی بخواهید، آن هم ماهی سالامون! مرد می‌گوید ماهی که عالی است و گوئی‌دو عین همین روش را در مورد پیش غذا و نوشیدنی هم به کار می‌برد و به شکلی بی‌نظیر تنها سینی غذای باقی مانده در رستوران را به نحوی به مشتری می‌دهد که او واقعا باور می‌کند این انتخاب عالی خودش بوده است و گوئی‌دو دو ثانیه بعد با سینی غذا از میز کناری بازمی‌گردد!

فیلم با رویکردی کاملاً اجتماعی و زبانی استعاری، پر از این طنزها درباره جامعه و سیاست است.

نیمه دوم فیلم بدون مقدمه آغاز می‌شود و حالا گوئی‌دو یهودی و همسرش دورا ی غیریهودی که پنج‌سالگی از ازدواجشان گذشته در سیاه‌ترین دوران تاریخ ایتالیای قرار دارند، چرا که حاکمیت موسولینی به قدری ضعیف شده که آلمان‌ها به خاطر منافعشان، وارد ایتالیای می‌شوند و همه چیز را تحت کنترل می‌گیرند. حالا گوئی‌دو و دورا یک پسر دوست‌داشتنی به نام ژزوه دارند و زندگی آنان با همان عشق آغازین در عین سادگی ادامه دارد. گوئی‌دو کتاب‌فروشی دارد و همسرش معلم است. گوئی‌دو باور دارد که نگاه انسان، واقعیات پیرامون او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این را چطور می‌دانیم؟ وقتی گوئی‌دو هنگام آشنایی با دورا برای نخستین بار



او را در اپرای ژاک اوفن باخ می‌بیند، در حین اجرای بی‌مانند یکی از قطعات اپرای داستان‌های هوفمن، در حالی که نیم‌رخ از صحنه برگردانده و به صورت دورا خیره شده که بالای سن نشسته، با انگشتان دستش که در هوا می‌چرخاند مدام تکرار می‌کند برگرد، برگرد این طرف من را ببین، عشق من، برگرد این طرف و نهایتاً گویی دورا صدای قلب عاشق گوئی‌دو را می‌شنود، آن‌هم در حین اجرای زیباترین دوئت آوازی جهان. برمی‌گردد و به صورت گوئی‌دو لیخن می‌زند.

پنج سال بعد او همین بازی را این بار با پسر کوچولوش که در کمند مخفی شده تکرار می‌کند. گوئی‌دو مردی است که باورش به سادگی حیات و بقای عشق، آن هم در ساده‌ترین شکل آن، ابدی و بدون تغییر است، حتی در تاریک‌ترین ادوار حیات بشر و در قلب جنگ دوم جهانی.

در نیمه دوم فیلم، مدتی پس از اولین احضار گوئی‌دو به فرمانداری، دورا موقع بازگشت به خانه می‌بیند در خانه باز و خانه کاملاً در هم ریخته شده است. بلافاصله می‌فهمد که قضیه از چه قرار است. پس به ایستگاه قطار می‌رود و نام همسرش را به افسر اس.اس می‌گوید. افسر تأیید می‌کند که نه تنها گوئی‌دو بلکه پسرشان و همین‌طور عموی همسر او همگی در قطار و عازم اردوگاه مرگ هستند. دورا می‌خواهد او را نیز همراه آن‌ها بفرستند و افسر نازی با لحنی دلسوزانه می‌گوید خانم برگردید به خانه‌تان! یعنی قضیه تمام است و آن‌ها دیگر هرگز بازمی‌گردند. دورا جمله خود را تکرار می‌کند و در حالی که قطار شروع به حرکت کرده برای بار سوم می‌گوید: به گمانم خیلی واضح به شما گفتم می‌خواهم همراه شوهر و بچه‌ام باشم. و افسر دستور می‌دهد او را نیز سوار کنند.

گوئی‌دو همسرش را از پشت حفاظ واگن می‌بیند و در سکوت نام او را تکرار می‌کند اما پسر کوچولو کلمه مامان را بلند صدا می‌زند و خوشحال است که مامان هم دارد می‌آید.

گوئی‌دو پسرش را مجاب می‌کند که ما عازم یک بازی پرهیجان هستیم و این‌ها همه بخشی از یک بازی است: «و تو پسر ما که تا آخرش گوئی‌دو و دورا از لحظه ورود به کمپ هرگز یکدیگر را نخواهند دید و ژزوه که در کنار گوئی‌دو است مسئولیت عظیم پدری را رقم می‌زند که فقط و فقط باید پسرش را نه تنها از این جنون عظیم بشری نجات بدهد بلکه آن گونه او را نجات دهد که روح او نیز به سلامت از این دوران سیاهی و مرگ به آینده برسد.

گوئی‌دو از هر فرصتی برای ایجاد تصور نمایشی بودن این وقایع برای پسرش استفاده می‌کند و از هر فرصتی نیز برای ابراز عشق به دورا، مانند لحظه‌ای که موقعیت را مناسب می‌بیند و از بلندگوی کمپ به دورا ابراز عشق می‌کند و ژزوه هم خطاب به مامان حرف می‌زند.

بسیاری از منتقدان در نقدهایشان به این واقعیت اشاره کرده‌اند که آغاز داستان را می‌دانیم ولی نمی‌دانیم گوئی‌دو و خانواده او در چه سالی و تا چه مدت در اردوگاه به سر می‌برند.

هر چند در اثر، از سال دستگیری سخن گفته نمی‌شود اما این معما نیست، چون تاریخ از این نظر روشن است. وقایع به سال ۱۹۴۴ تا آغاز سال ۱۹۴۵ بازمی‌گردد. ایتالیای شمالی در سال ۱۹۴۴ توسط قوای آلمانی اشغال شد و از آن مقطع بود که یهودیان و کمونیست‌ها در ایتالیای مستقیم توسط ارتش آلمان روانه اردوگاه‌های مرگ شدند.

داستان به‌خاطر ژانر کمدی خود، گویی یک داستان غیرواقعی است، در حالی که فیلم بر اساس کتاب مشهوری به نام «من هیتلر رو تک زدم» ساخته شده است؛ داستانی که به قلم یکی از ایتالیایی‌های یهودی بازمانده از کمپ بر کنائو و آشویتس به نام روبینو روموئو سالمونی نوشته شده است. هر چند که قطعاً اقتباس بنینی از اثر و شاکله سینمایی آن تغییراتی به‌وجود آورده اما به موفقیت اثر افزوده است.

در تاریخ سینما شاید کمتر اثری با مفهوم زندگی و عشق در شرایط دهشتبار توانسته باشد سکانس‌هایی تا این حد ماندگار در ذهن بیننده آفریده باشد. از جمله سکانس‌های بی‌نظیر، سکانسی است که گوئی‌دو در حال خدمت به میهمانان نظامی و آلمانی است و در پایان مهمانی چشمش به گرامافون و صفحه همان قطعه آوازی از اپرای داستان‌های هوفمن اثر ژاک اوفن باخ [که اتفاقاً او هم یهودی بوده و آثارش هرگز در آلمان نازی اجازه اجرا نداشت] می‌افتد که روزگاری پیوندگاه عشق او و همسرش دورا شده بود.

گوئی‌دو پنجره را باز می‌کند و صفحه را می‌گذارد و در آن سو دورا که با لباس راه‌راه کمپ و موهای تراشیده شده در کنار منتظران مرگ خوابیده، آن نغمه عشق و دلپاش را می‌شناسد. پس به سمت پنجره می‌رود و تا پایان به اثر گوش می‌دهد، درحالی که در یک قدمی مرگ است، آن هم مرگی که همراه با وفاداری به خانواده و ستایش عشق است، بسیار ساده و با اصولی روشن و ساده. تدوین سکانس به گونه‌ای است که موسیقی ادامه می‌یابد و گوئی‌دو که سر پسر کوچکش را برشانه دارد به او می‌گوید: «ب خواب پسر، شاید اصلاً همه این‌ها به خوابه. تو صبح پامی‌شی و مامانت برامون صبحونه می‌آره» و در این غبار و مه یکباره درست در زمانی که پسر به خواب رفته، گوئی‌دو خود را در کنار گور دسته‌جمعی پر از اجساد می‌یابد و آرام آرام عقب می‌رود.

پایان اثر، رهایی ژزوه در زمانی است که اردوگاه خالی از آلمانی‌های فرار کرده به سمت آلمان شده و یک تانک نیروهای متفقین جلوی پای کوچولوی خردسال فیلم [که به خواش پدرش تا آخر این بازی مخفی شده بود] ترمز می‌کند و ژزوه می‌گوید: پس راست بود! [تانک جایزه واقعا آمد!] او حقیقتاً با یک تانک از اردوگاه خارج می‌شود و در گردنه زیبایی روستایی مادرش را پیدا می‌کند.

شاید کمتر بشود در قلب مرگ و سیاهی و جنایت از زندگی و شکوه عشق حتی سخن گفت، چه رسد به عمل کردن به آن باورها، اما گوئی‌دو تعریف ساده‌ای از زندگی دارد و آن زندگی کردن است تا پایان زیبا. اگر روزگاری در آینده دیدیم در دل مرگ، زندگی آفریده شده، بدون تردید یک امید به آن تحقق بخشیده است، امیدی که در ساده‌ترین شکل زندگی تبلور پیدا کرده است؛ فریاد بدون صدای «زندگی زیباست».



## «ساده‌زیستی» جهان‌بینی آینده‌نگر



• سجاد تبریزی

آن‌چه در این میان مورد توجه است و راه‌حلی اساسی و بنیادین به‌نظر می‌رسد، تغییر رفتار و سبک زندگی همه مردم، از هر طبقه اجتماعی و اقتصادی است. در درجه نخست، جلوگیری از اسراف و بعد از آن صرفه‌جویی در استفاده از منابع، تنها راه‌حل پایدار برای کاهش تولید کربن، خروج از بازی بی‌انتهای مصرف‌گرایی و در نهایت نجات زمین است.

در این میان، بوتان، یک کشور کوچک در میان دو غول بزرگ آسیایی، به‌عنوان یک نمونه موفق در کاهش کربن توسط انجمن‌های غیردولتی در حال شناسایی و الگوبرداری است. بوتان هیچ‌وقت وارد بازی توسعه نشد و حتی زیرساخت‌های حیاتی همچون جاده‌های عریض و طولیل و شاهراه ایجاد نکرد. در بوتان هیچ تبلیغی از کالا دیده نمی‌شود و کسی برای خرید و مصرف ترغیب نمی‌شود. در این کشور، زندگی بر مبنای تکنولوژی‌های بومی قدیمی در جریان است. بوتان مدل توسعه کشورش را به‌جای معیار قرار دادن تولید ناخالص ملی، با معیار جدیدی به نام سرانه شادی ملی (GHN) اندازه‌گیری می‌کند. در توسعه بر مبنای شادی، به‌روزی شهروندان معیار است.

این کشور نه‌تنها به تعهد خود بر مبنای توافق نامه کپنهاگ و پاریس برای کاهش گاز دی‌اکسید کربن عمل کرده، بلکه با حذف دی‌اکسید کربن سه‌برابر بیش از تولید آن، اولین کشور کربن منفی و سبزترین کشور جهان است. مردم بوتان جزو شادترین مردمان جهان شناخته می‌شوند، اما از آن جایی که فهرست‌های منتشر شده توسط مراکز معتبر برای شادترین جوامع، بر محور توسعه و با معیارهای رشد اقتصادی تدوین می‌شود، نام بوتان در میان آن‌ها دیده نمی‌شود. در واقعیت و در کف میدان، بوتانی‌ها از لذات ماهوی زندگی بهره‌مند هستند؛ زندگی بدون استرس، بدون دغدغه‌های مجازی دنیای پرهیاهو و رقابت‌های خشن اقتصادی. در واقعیت امر، اتفاق عجیبی در بوتان نیفتاده است، مردم زندگی روزمره و عادی خود را دارند و با تکیه بر مبانی فرهنگی خود، با جهان‌بینی سنتی، درک دقیق و عمیق‌تری از پیرامون خود دارند و تقریباً آگاهانه از مصرف‌گرایی فاصله گرفته‌اند.

ساده‌زیستی از نگاه محیط زیست تعریف ساده‌ای دارد: تولید کمتر کربن و تلاش برای ترسیب آن. این توضیح ساده، تا به ثمر نشستن و رسیدن به سبک زندگی، راه دشوار اما نزدیکی در پیش رو دارد. مطمئناً ۱۰ سال آینده، مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی، همه دنیا را وادار به نه فقط جلوگیری از اسراف، بلکه به کاهش مصرف و صرفه‌جویی می‌کند. این مهم تنها در سایه ایدئولوژی‌زده کردن ساده‌زیستی ممکن است.

ساده‌زیستی و تلاش برای کاهش مصرف در همه امور و شئون بشر، نیاز به پیشینه فکری و آینده‌نگری مسئولانه دارد که مصلحان دنیا در حال تنویریه کردن آن هستند. از این رو طی دو دهه گذشته، در بسیاری از کشورها، حتی کشورهایی که مبلغ و مهد بازار آزاد و مصرف‌گرایی بودند، ساده‌زیستی ترویج می‌شود. ساده‌زیستی این بار نه از منظر مذهبی یا برای آرامش روح، بلکه به‌عنوان یک جهان‌بینی مدرن و آینده‌نگر در حال فراگیری است.

حالا رسانه‌های کوچک و بزرگ که اتفاقاً نقش مؤثری در ایجاد انقلاب مصرف‌گرایی داشتند، بالاخره از دوربرگردان محیط زیست به سمت تبلیغ ساده‌زیستی می‌روند و قهرمانان فیلم‌ها و سریال‌های پر فروش کمتر در کاخ‌های بزرگ و آن‌چنانی زندگی می‌کنند. محیط زیست، معیار و سبک زندگی بر مبنای ساده‌زیستی، موضوع بسیاری از تولیدات فرهنگی فعلی و شمار بیشتری در آینده خواهد بود تا سبکی از زندگی مطابق با طبیعت و روند ناگزیر آن در همه‌جای دنیا ایجاد شود.

رقابت بر سر رفاه به تولید کربن به شکل غیرقابل کنترل دامن زد. حتی در بلوک شرق و کشورهای تحت سلطه کمونیسم نیز تولید حرف اول را می‌زد و دولت‌ها برای بالا بردن اعداد اقتصادی تلاش بی‌وقفه‌ای می‌کردند؛ گرچه در آن کشورها، رفاه به‌معنای توزیع عادلانه فقر بود و نتیجه کار و تلاش مردم در نهایت، مصروف بلندپروازی‌های ایدئولوژیک یا رقابت‌های رسانه‌ای می‌شد، اما در اصل ماجرا تفاوتی ایجاد نمی‌کرد: تولید کربن بیش‌تر و بیش‌تر.

با گذشت کمتر از یک قرن مشخص شد ساختار اقتصادی مبتنی بر رشدی که حاصل رقابت بر سر افزایش تولید ناخالص ملی است، از منظر اقتصادی نیز به آن رفاه موردنظر منجر نشده است. آمارهای بانک جهانی در ابتدای قرن بیست و یکم نشان داد که سه نفر ثروتمند اول دنیا به اندازه سه میلیارد نفر آخر فهرست، ثروت و مال و منال دارند! این فاجعه نیاز به ترمز جدی در برابر ساختارهای موجود را گوشزد کرد.

اما مسأله فقط فاصله طبقاتی نیست. تولید بیش‌تر برای رسیدن به اعداد و ارقامی که احتمالاً به رفاه نسبی جوامع منجر می‌شود یا نمی‌شود، بخش کوچکی از ماجراست. از ابتدای قرن حاضر، به قطع یقین مشخص شد دمای کره زمین بیش از دو درجه بالا رفته و این روند، حاصل سوزاندن فسیل‌هایی است که چرخ توسعه در دنیا را به گردش درمی‌آورد. بالا رفتن دمای کره زمین یا گرمایش، حاصل میلیاردها تن کربنی است که طی میلیون‌ها سال زیر انبوهی از خاک و آب مدفون بودند و حالا در هوا معلقند.

این‌ها صورت مسأله هستند، نتیجه مسأله دردناک‌تر است. روند تولید کربن تا سه دهه دیگر دمای کره زمین را یک درجه دیگر بالا می‌برد و این مساوی با از میان رفتن بخش بزرگی از تمدنی است که حاصل هزاران سال زندگی بشر بر روی کره زمین است. تغییرات اقلیمی، خشکسالی، آب شدن یخ‌های قطبین و در نهایت، از هم گسستگی بومساخت میلیون‌ها ساله کره زمین نتیجه این روند خواهد بود؛ نتیجه‌ای که احتمالاً می‌توان از آن به‌عنوان آخر الزمان یاد کرد.

پیش‌بینی‌های دانشمندان در علوم مختلف که براساس محاسبات صورت می‌گیرد، همگی روز تیره و تاری را در فاصله‌ای نزدیک نشان می‌دهند که حیات در روی کره زمین به زوال رفته و بشر بر لبه پر تگاه نابودی مطلق قرار دارد.

این چشم‌انداز تاریک، دست کم از ابتدای قرن جدید میلادی کم‌کم به اطلاع عمومی رسانده شد. دولت‌هایی با اقتصاد آزاد، کمپانی‌های بزرگ و ذی‌نفعان استخراج منابع، اولین مخالفان انتشار گزارش‌ها و پیش‌بینی‌ها بودند، مخالفت‌هایی که کماکان ادامه دارد و آن‌ها از هر فرصتی برای بازگشت به دوران کربن استفاده می‌کنند. با این حال، عقل سلیم و خرد بزرگ جمعی همواره پیش‌قراول است. قراردادهای حاصل از کنفرانس‌های زیست‌محیطی کپنهاگ و پاریس، مهم‌ترین قراردادهای بین‌المللی بود که طی این سال‌ها با هدف کاهش کربن امضا شد و کشورها تعهد دادند تا سالانه مقادیر مشخصی از تولید کربن خود بکاهند.

«ساده‌زیستی» به‌طور تاریخی سبکی از زندگی مطابق با دستورات دینی شناخته می‌شود. همچنین راهی برای مراقبه و آرامش ذهن و روح محسوب شده است که آن هم جنبه‌ای دینی و معنوی دارد. زاویه‌نشینی، خلوت‌نشینی، عزت‌گزینی و ترک دنیا از جمله عباراتی است که ما هم در ادبیات و هم در متون دینی به‌عنوان صفاتی برای افراد زاهد می‌شناسیم؛ سبکی از زندگی مبتنی بر توجه به امور غیرمادی که حسب اتفاق و گردش روزگار، بشر در دوران توجه بی‌سابقه‌اش به امور مادی، کم‌کم مجبور به انتخاب اجباری آن می‌شود.

امروزه در کشورهایی که مهد و بستر اقتصاد آزاد محسوب می‌شوند، بیش از هر موضوع دیگر، کاهش مصرف مورد توجه است؛ کاهش مصرف در همه چیز. قوانین به‌سرعت در حال محدود کردن افزایش مصرف هستند و اختراعات، اکتشافات و ابداعات نیز به سمت برآورده کردن این اصل مهم پیش می‌روند. این اتفاق در حالی می‌افتد که کمتر از یک قرن پیش، در بسیاری کشورها، حاکمیت مبلغ مصرف بیشتر برای پویایی اقتصاد بود.

اگر به تاریخچه این روند نگاه کنیم، اتمام جنگ جهانی دوم، سرآغاز جنگی بزرگ و همه‌گیر در کل دنیا بود: جنگ اقتصادی. زمینه‌های لازم برای این جنگ شوم، همزمان با صنعتی شدن فراهم شده بود و پس از رهایی دنیا از توپ و تفنگ، به یکباره خیزش بزرگی برای بالا بردن اعداد و ارقامی که در اقتصاد معنا پیدا می‌کرد، در همه کشورها شروع شد. رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی، تعیین برابری ارزش‌ها و... عباراتی بودند که به‌سرعت به مطبوعات راه یافتند و نشان از تکاپوی جوامع برای پیروزی در این رقابت می‌دادند.

در واقع دولت‌ها با هدف بالا بردن سطح رفاه جامعه به رقابت پرداختند. دو بلوک متخاصم با دو شیوه اقتصادی متفاوت در این هدف اشتراک نظر داشتند و رقابت ابتدا میان دو بلوک و بعد از فروپاشی شوروی، میان تک‌تک کشورها شتاب روزافزونی گرفت.

بد نیست بدانیم هر چرکتی یا به تعریف فیزیکی هر کاری که صورت می‌گیرد، تولید کربن به همراه دارد؛ از نفس کشیدن ساده و غیرارادی ما تا فرستادن انسان به فضا. نویسنده‌ای که این یادداشت را می‌نویسد و خواننده‌ای که در حال خواندن آن در روزنامه یا حتی فضای مجازی است برای «فعل» نوشتن و خواندن، در حال تولید کربن است. صنعت ظاهراً طلایه‌دار تولید کربن است، حمل و نقل، ساخت و ساز، دامپروری و کشاورزی صنعتی نیز تولید کربن غیرمتعارفی دارند و در نهایت هر فعلی که از آدمی برخیزد، تولیدکننده کربن است.

این تولید کربن همواره وجود داشته و هیچ‌گاه متوقف نشده، اما از زمان صنعتی شدن و اقتصادی قلمداد شدن تولید انبوه، میزان تولید کربن از ترسیب آن بسیار فراتر رفت. به‌ویژه بعد از جنگ‌های جهانی، کره زمین مملو از تولیداتی شد که شاید نیاز اصلی و اساسی بشر نبود،

برای همین بازسازی و نیازسازی در دستور

کار تولیدکنندگان قرار گرفت و تبلیغات،

همگان را به مصرف بیش‌تر و

احساس نیاز کاذب واداشت.

بازسازی، رقابت رادر

بخش خصوصی

جدی‌تر کرد و در

عین حال، رفاه

در دستور کار

حکومت‌ها

قرار گرفت.





چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۵۹ (برابر با ۵ ربیع الاول ۱۳۴۰ و ۱۲ ژانویه ۱۹۸۱) نقل شده است.

## تکاوران ایران پشت جبهه دشمن پیاده شدند

خسرو نژاد مبشر و مرتضی خاکی خبرنگاران اعزامی اطلاعات به جبهه‌های جنگ: تکاوران دلاور نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران طی یک عملیات ویژه شبانه پشت خطوط جبهه مزدوران عراقی در شلمچه پیاده شدند و با حملات و ضربات برق‌آسای خود خسارات و تلفات سنگینی به دشمن وارد ساختند.

تکاوران نیروی دریایی همچنین در یک شبیخون به مزدوران صدامی در جبهه خونین شهر موفق شدند بیش از ۶ تانک و چهار دستگاه نفربر دشمن را منهدم و ۴ دستگاه تانک را همراه خود به غنیمت بگیرند.

## ۲ گردان عراقی دیشب در غرب تار و مار شدند

آخرین گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس از کرمانشاه حاکیست که در پی تهاجم اخیر رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های غرب علیه نیروهای صدام مزدور که از نخستین ساعت روز نوزدهم دیماه جاری آغاز شد، تا ساعت ۲۲ دیشب دو گردان از نیروهای دشمن تار و مار شد و ۴۱۲ تن از سربازان ناآگاه به اسارت درآمدند.

در این تهاجمات همچنین یک موشک ساترن - دو عراده توپ ۷۵ میلیمتری هفت دستگاه تانک و یک دستگاه پی - ام - پی تعداد زیادی از پی - جی - هفت و تفنگ کلاشینکف سالم به غنیمت گرفته شد و مقدار زیادی از تجهیزات نیروهای فریب خورده دشمن نیز منهدم گردید.

## امریکا و ایادی داخلش میخاوند در دادانگاه‌ها را به آشوب...

براساس خبرهای بدست آمده از منابع آگاه - قرار است فردا به بهانه بازگشایی دانشگاه‌ها، گروه‌هایی دست به راهپیمایی زده و سپس وارد دانشگاه‌ها شوند و این مراکز را به اشغال خود درآورند، در این مورد، از مدتها قبل تماس‌هایی بمنظور ایجاد هماهنگی برای این توطئه بین گروه‌های چپ امریکائی از یکسو و وابستگان به نظام پیشین دانشگاهی از سوی دیگر برقرار شده است.

## از مصرف قند و شکر بکاهید

کارت‌های عاملین فروش قند و شکر چنانچه قابل رویت نباشد عاملیت آنان قطع خواهد شد. چنانچه طرح جیره‌بندی ادامه یابد میزان واردات شکر حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد نسبت به سال قبل کاهش خواهد یافت.

در شهر تهران ۵ هزار مغازه و تعاونی مصرف مورد نیاز قند و شکر را در اختیار شهروندان قرار میدهند. حسین تربتی مدیرعامل سازمان قند و شکر کشور ضمن اعلام این مطالب در تماسی با خبرگزاری پارس گفت: در طرح جیره‌بندی قند و شکر برای مصرف هر ماه فرد ۴۰۰ گرم شکر و ۸۰۰ گرم قند در نظر گرفته شده است که این مقدار سهمیه کفاف شخص را نمیکند. بنابراین هموطنان عزیز و متعهد کشورمان مقداری از مصرف خود بکاهند.

## تولید صابون

جهاد دانشگاهی تهران دیروز اطلاع داد که این جهاد در دانشکده فنی دانشگاه تهران با توجه به محاصره اقتصادی کشورمان شروع به تولید صابون مایع و جامد کرده و از هموطنان خواست تا پی، چربی و دنبه را که معمولاً همراه گوشت می باشد دور نیانداخته و با جمع‌آوری و تحویل آنها به سازمان مرکزی دانشگاه تهران - جهاد دانشگاهی - دانشجویان را در این امر انقلابی یاری کنند.

## طرح ربودن صدام توسط نظامیان عراق ناکام ماند

خسرو نژاد مبشر و مرتضی خاکی خبرنگاران اعزامی روزنامه اطلاعات به جبهه‌های جنگ: دو معلم عراقی که روز جمعه ۱۹ و ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹ به ایران پناهنده شده‌اند در گفتگویی با خبرنگاران اعزامی اطلاعات اعلام کردند که عده‌ای از افسران مسلمان عراقی قصد داشتند با گروگان گرفتن صدام مزدور خائن رژیم او را براندازند که متأسفانه طرح آنان بر ملا گردید و هنگام اجرای نقشه خود با شرطه‌های عراقی روبرو شدند این افسران طی یک درگیری با شرطه‌ها موفق شدند ۶ تن از شرطه‌ها را بکشند، در این درگیری ۱۰ تن از افسران مسلمان عراقی شهید و بقیه بازداشت شدند.

قاب امروز



لیفتمندل پروسر ۱۰۰ ساله که اکسن کووید ۱۹ را در لندن دریافت می‌کند / عکس از: جماران

پند بزرگان

هزاران لاله و گل در جهان بی  
همه زیبا به چشم دیگران بی  
آلاله مو به زیبایی درین باغ  
سرافراز همه آلالیان بی  
باباطاهر عریان

جان لنون

سرایه

هزاران لاله و گل در جهان بی  
همه زیبا به چشم دیگران بی  
آلاله مو به زیبایی درین باغ  
سرافراز همه آلالیان بی  
باباطاهر عریان

امروز در تاریخ

## انصراف اردشیر پاپکان از تغییر پایتخت ایران

اردشیر پاپکان، ناسیونالیست بزرگ ایرانی، پس از پایان دادن به حکومت اشکانیان که به ضعف و فساد گراییده بودند، ۱۲ ژانویه سال ۲۲۵ میلادی تصمیم گرفت که شهر غور پارس (فیروز آباد امروز) را پایتخت ایران کند، به این شهر رفت و دستور ساختن یک کاخ سلطنتی، یک دژ نظامی و تأسیسات اداری را صادر کرد. وی پس از تاجگذاری در معبد آناهید (آناهیتا) در شهر استخر در سال ۲۲۶ و سرکوب کردن شورشیان در غرب خلیج فارس و رفتن به تیسفون، اعلام کرد که تا امپراتوری روم از هدف خود که تصرف مناطق واقع در شرق مدیترانه است دست بر ندارد مصلحت در این است که پایتخت تغییر داده نشود و تیسفون کماکان شاهنشین ایران باشد.

## پادشاه سامانی ترو شد

۱۲ ژانویه ۹۱۴ در ساعات بعد از نیمه شب، تنی چند از مستخدمین امیراحمد سامانی به خوابگاه او در شهر بخارا ریختند و وی را کشتند. شهر بخارا پایتخت سامانیان بود. بسیاری از مورخان نوشته‌اند؛ از روزی که امیراحمد منع سخن گفتن به عربی در دربار سلطنتی را لغو کرد، اطرافیان از او دلخور و بیزار شده بودند. در پی کشته شدن امیراحمد، پسرش به نام امیرنصر دوم بر جایش نشست.

## در گذشت ابوسعید ابوالخیر

صوفی و سخنور پارسی گوی خراسانی، ابوسعید ابوالخیر را در ۸۱ سالگی در ۱۲ ژانویه سال ۱۰۴۹ در گذشت. اشعار، گفته‌ها و عقاید او در «اسرار التوحید» گردآوری شده است. وی از مرو جان دوستی و مهربانی کردن و از نهی کنندگان کینه‌جویی و عناد بود. ابوسعید در «میهنه» خاوران به دنیا آمده بود.

## امیر تیمور گورگانی وارد هند شد

۱۲ ژانویه ۳۹۷، امیر تیمور گورکان با نیروهایش به منظور تصرف هند از گذرگاه خیبر گذشت. ۳۴۱ سال بعد در همین ماه نادرشاه افشار ارتش ایران را از این گذرگاه وارد شبه‌قاره هند کرد و هر دو موفق به تصرف دهلی شدند. پیش از این دو فاتح، ۲۵ قرن پیش داریوش بزرگ با گذر از همین معبر کوهستانی وارد منطقه سند شده بود و دو قرن پس از او، اسکندر مقدونی و در قرون وسطی، محمود غزنوی.

www.iranianshistoryonthistoday.com

## ۵۴۴۰ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

نوع و غارت	از ورزشهای	پ	نوشت افزار	حل جدول
هواپی	آفریقا	S	پ	۵۴۳۹
چ	ک	ک	ک	ک
پایتخت نروژ	ک	ک	ک	ک
تصدیق زمین ها	ک	ک	ک	ک
مخفف تو را	ک	ک	ک	ک
قوم غیور	ک	ک	ک	ک
شاه خوارزم	ک	ک	ک	ک
گرامی غلط!	ک	ک	ک	ک
کشور شاخ	ک	ک	ک	ک
آفریقا	ک	ک	ک	ک
ج	ک	ک	ک	ک
مادر در فوئی	ک	ک	ک	ک
دیوانه خانه	ک	ک	ک	ک
منسوب به نبی	ک	ک	ک	ک
شبه یوز پلنگ	ک	ک	ک	ک
ج	ک	ک	ک	ک

## ۲۹۲۷ سودوکو

۵	۹	۴		۸				۶
		۶	۵			۲	۸	
	۸			۶				
	۵			۲				۱
		۷		۳				
۳			۹			۵		
			۸			۲		
	۷	۲		۵	۱			
۶				۲		۹	۴	۵

۴	۲	۳	۹	۱	۸	۶	۷	۵
۶	۷	۵	۴	۲	۳	۹	۱	۸
۹	۱	۸	۶	۷	۵	۴	۲	۳
۳	۴	۲	۸	۵	۹	۱	۶	۷
۱	۹	۶	۳	۴	۷	۸	۵	۲
۸	۵	۷	۲	۶	۱	۳	۴	۹
۷	۳	۴	۱	۸	۲	۵	۹	۶
۲	۶	۹	۵	۳	۴	۷	۸	۱
۵	۸	۱	۷	۹	۶	۲	۳	۴

حل ۲۹۲۶